

معرفی

چند آثار تاریخی

تبریز

مجموعه آثار مدرسه لوشیه تبریز

بقلم

پروفسور شگاه علوم انسانی
پرتال جامع علوم

سروان مجید وهرام



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی

معرفی چند آثار باستانی تبریز

در شماره‌های گذشته شمه‌ای از جغرافیای تاریخی تبریز از نظر خوانندگان گرامی گذشت. اینک باعث نهایت مسرت است که برای تکمیل مقالات پیشین تعدادی از آثار باستانی مهم تبریز را با گاورهای جدیدی بدوستان آن معرفی نمایم. چون نمیتوان تمام آثار باستانی و شرح دقیق و فنی آنها را در این مختصر گنجانید لذا کوشش شده است ضمن رعایت اختصار نمونه‌هایی مصور از آنان ارائه شود.

بجرات میتوان گفت که بزرگترین دشمن ابنیه تاریخی تبریز قهر طبیعت بوده است و افزون بر آن هجوم‌های پی در پی بیگانگان نیز سهم بزرگی را در

بصلم

سروان مجید و پیرام

تخریب آثار ارزشمند آن داشته است.

آثار باستانی تبریز را میتوان بدو دسته تقسیم بندی نمود:

الف- اینپه ای که تا چندین قرن پیش وجود داشته ولی متأسفانه بطور کلی ویران شده و از بین رفته اند ولی خوشبختانه نام و نشانه آنها در کتب تاریخی باقی مانده است.

ب- آثار ای که هنوز پابرجا و با بصورت نیمه ویران و متروک و یا تعمیر شده باقی هستند.

اینپه بسیار قدیمه:

از آنجا که سابقه بنای تبریز به روزگاران بسیار کهن میرسد در این شهر نیز بی شک مانند سایر شهرهای مهم قدیمی، قلعه های نظامی و باروهای مستحکمی نظیر آنچه خسرو ارشاکی حکمران ارمنستان در آغاز ساخته بود وجود داشته که بتدریج دست چپاول گرزمان حتی نامی هم از آنها بجای نگذاشته و چون رودی خروشان آبوی رحم آنان را بکلی شکسته و نابود کرده است. یاقوت- حموی در معجم البلدان می نویسد: «تبریز شهر بلاد آذربایجان و شهری آباد و زیباست، باروهای محکمی دارد که با آجر و گچ بنا شده...»^{۱۰۷}

هنگامی که غازان خان در تبریز زمام امور را بدست گرفت این شهر باروی مستحکم شش هزار گامی داشت که در عهدوی بنا به نوشته لغت نامه دهخدا تا ۵۴۰۰ گام افزایش یافته بود. ۱۰۸ متأسفانه از قلعه ها و حصار و بارو و پنج دروازه وسیع و رفیع و هشت دروازه کوچک قدیمی اثری این شهر اکنون بجای نمانده است.

شب ۱۰۹ غازان

غازان خان پسر ارغون یکی از ایلخانان بزرگ و معروف مغول بشمار

۱۰۷- معجم البلدان ذیل ماده تبریز- تاریخ تبریز مینورسکی ص ۱۶.

۱۰۸- مینورسکی در تاریخ تبریز طول باروی غازانی را ۲۵۰۰۰ گام ذکر کرده است.

۱۰۹- در فرهنگ های فارسی کلمه شب (شام) به فتح شین و گاهی به ضم آن به معنی گنبد و قبه آمده است. ظاهراً لغت شب بدین معنی در فرهنگ فارسی قدیم وجود ندارد بلکه

میآید. او پس از بازگشت از لشکر کشی شام در محل از غونیه که در زمان پدرش قصری در آن بنا شده بود، تصمیم به آبادی آن گرفت و در نظر داشت آنجا را بصورت شهری بزرگ در آورد. برای اجرای ط-رح خود از مهندسان و معماران ایرانی و خارجی استمداد جست و بایستکار زیادی در احداث قصری بسیار زیبا و رفیع و چندین واحد ساختمانی از قبیل مقبره گنبد دار و مسجد و مدرسه دارالسیاده، رصدخانه، کتابخانه، دیوانخانه و چند گرما به همت گماشت. خواجه رشیدالدین فضل الله می نویسد: «غازان در شنبه شانزدهم ذی الحجه سال ۶۹۶ هجری در میان باغ عادلیه در محله شم بنیاد قبه و گنبد بلندی را نهاد و در آن کارهوی و شعفی تمام داشت و همه واره بر سر استادان بنا و عمله تردد میکرد. مهندسان سؤال کردند که در چند موضع جهت روشنائی روزن بگذاریم فرمود که از بهره چه، گفتند تا زیر زمین (یعنی محل قبر) روشن باشد جواب داد که روشنی آنجا از اینجا می باید برد والا روشنائی عارضی در آن موضع سودی ندهد...»^{۱۱۰} و نیز در جای دیگر مینویسد که آنجا را اختیار فرمود در خارج شهر در جانب غربی در موضع شنب، خوبستن طرح کشیده، آن را بنیاد نهاد و این زمان چند سال است تا بعمارت آن مشغولند. و از گنبد سلطان سنجر سلجوقی به مرو که معظم ترین عمارت عالم است بسیار با عظمت تر، سپس صاحب جامع-التواریخ صورت موقوفات آن بنای عظیم را بتفصیل ذکر میکنند،^{۱۱۱}

این لغت در زمان حکومت حکمرانان مغول مانند بسیاری از لغات مغولی دیگر وارد زبان فارسی شده است که بعد از ساختن گنبد مقبره غازان خان آنرا باین نام خوانده اند. این لغت در جامع التواریخ رشیدی (شم) و در تاریخ و صاف و نزهة القلوب «شام» آمده است. ولی آقای دکتر محمد جواد مشکور در مقاله خود درباره شنب غازانی که در مجله باستانشناسی و هنر شماره ۳ سال ۱۳۴۸ بچاپ رسیده نوشته اند که در زبان آذری فهلوی در نواحی آذربایجان زمینهای هم سطح رودخانه و مسطح که برنج کاشته میشود «شام» نامیده میشود.

۱۱۰- جامع التواریخ رشیدی ج ۲ ص ۹۳۳.

۱۱۱- مجله باستانشناسی و هنر شماره سوم سال ۱۳۴۸ ص ۲۴ مقاله شنب غازانی نوشته دکتر محمد جواد مشکور.

اولیافندی Oliyā Efendi که در قرن نوزدهم شنبغازان را دیده مینویسد: «... برجی است سر به فلک کشیده. وقتی آنرا دیدم قسمتی از دروازه در اثر زلزله کمی آسیب دیده بود» و یلبر بنقل از گدار نوشته است «... مقبره مزبور برج بلندی بود که روی آن گنبد ساخته بودند و بیشتر به برجهای مراغه شباهت داشت تا به مقبره سلطان سنجریا به مقبره اولجایتو در سلطانیه». ۱۱۲

مشارالیه روایات چند نفر از سیاحان و نویسندگان ایرانی و خارجی را بررسی نموده و اظهارات گدار را تأیید نموده است.

تاریخ و صاف درباره ساختمان شنبغازان بررسی بیشتری بعمل آورده است می نویسد: «در سال ۷۰۲ هجری غازان خان برای ساختن شام تبریز (شام یاشنب) که قبة الاسلام است مهندسان را از اطراف حاضر کرد و آهن و آرزیز (قلع) از روم بیاورد و از آن شمشها و طوقها ساختند و حجاران سنگها بتراشیدند و با سنگهای تراشیده بنیانی هر چه استوارتر بر آوردند و چون دایره بنا مقداری از زمین بالا رفت دیواری از آجر بر روی آن ساختند. ضخامت هر دیوار پانزده گز برابر باسی و سه آجر چسبیده بیکدیگر بود که هر کدام از آن آجرها به تنهایی ده من تبریز وزن داشت. در این بنا هر روز چهارده هزار و چهار صد عمه کار میکردند که سیزده هزار تن از آنان مستمراً و هزار و چهار صد تن بعنوان کمک استخدام شده بودند». ۱۱۳

ارتفاع گنبد مقبره غازانی یکصد و سی گز و طول دیوارهای آن هشتاد گز و همچنین طول هر یک از اسپرهای سطح جانبی بنا در حدود ده گز و محیط دایره گنبد پانصد و سی گز بوده است. ۱۱۴

۱۱۲- و.ک. به کتاب ویلبر ترجمه دکتر عبدالله فریار ص ۱۳۶.

۱۱۳- مجله باستانشناسی و هنر شماره سوم سال ۱۳۴۸ و برای آگاهی بیشتر به تاریخ و صاف جلد ۳ ص ۳۸۵ و ص ۹۱ و تاریخ تبریز تألیف نادر میرزا و نیز به چهل مقاله حاج حسین نجوانی ذیل مقاله شام غازان مراجعه شود.

۱۱۴- تاریخ و صاف الحضرته جلد ۳ ص ۳۸۵.

از نوشته‌های تاریخ وصاف و حبیب‌السیر چنین استنباط می‌گردد که بنای مقبره شام‌غازان طرح منشور دوازده ضلعی داشته و هر ضلع آن بشکل برجی ساخته شده بود و بنای مقبره غازان در وسط اینیه دیگر بطرز بسیار عظیم و شکفت انگیزی ساخته شده و درون آن با تزئینات زیبای جالبی آرایش یافته بود.

دیگر از بناهای باشکوه شب‌غازانی بستانسرا و قصر عادلیه نام داشته است که در روی دیوارهای آن نقوش گونه‌گونی رانقاشی نموده بودند. این قصر از نظر تزئینات و بکار بردن اسباب و آلات زینت از قبیل قندیل‌ها و لگن‌ها، شمعدان‌های زرین و سیمین در آن روزگار بی‌نظیر بوده است.^{۱۱۵}

در حبیب‌السیر چنین مسطور افتاده است که هشتاد عدد قندیل زرین و سیمین که وزن هر یک از آنها بیش از پانزده من بوده در مقبره آویخته و برای نقاشی سقف و سطح درونی آن بالغ بر سیصد من لاجورد صرف کرده بودند. علاوه بر مقبره و قصر عادلیه چندین واحد ساختمانی بشرح زیر در محوطه شام‌غازان در زمان حیات وی احداث گردیده بود: ^{۱۱۶}

- ۱- مسجد جامع
- ۲- خانقاه درویشان
- ۳- مدرسه‌ای برای دانش‌آموزان و دانشجویان مذهب شافعی اسلام.
- ۴- مدرسه‌ای برای پیروان و طالبان مذهب فقه حنفی
- ۵- بیمارستان (دارالشفای)
- ۶- خانه‌ای برای متولی مقبره غازان خان (بیت‌المتولی) که همه روزه در آنجا مأمور تدبیر منزل و ترتیب مصالح مردم و منزل دادن بایشان بود.

۱۱۵- مجله باستانشناسی و هنر شماره سوم سال ۱۳۴۸ نوشته دکتر محمد جواد مشکور ص ۲۴.

۱۱۶- تاریخ وصاف جلد ۳ ص ۳۸۵ و چهل مقاله حاج حسین نجفوانی ذیل مقاله شب‌غازانی.

۷- ساختمان کتابخانه

۸- رصدخانه

۹- مدرسه حکمتیه جهت اقامت حکما و تعلیم علم حکمت و فلسفه

۱۰- حوضخانه و آب انبار

۱۱- بیت القانون جهت گذاردن دفاتر و قوانین که غازان خان وضع کرده بود.

۱۲- بیت السیاده یادار السیاده که مهمانخانه‌ای مخصوص پذیرائی سادات بوده است.

۱۳- گرمابه‌ها و غیره برای مسافرین.

۱۴- باغهای اطراف ابنیه غازان خان^{۱۱۷}

شاهزاده نادر میرزا با استفاده از حبیب‌السیور و تاریخ و صاف و جامع‌التواریخ و دانسته‌های خویش اطلاعات دقیقه‌تری در این باره می‌دهد. وی مینویسد: «... آهن و روی بسیار به بنیان این عمارت بکار بردند. چون بازمین مساوی شد دیوار کسر عرض آن جدار به سی و سه عدد آجر بیکدیگر چسبیده مقرر کرد که پانزده ذرع بود و هر آجر بی ده من بوزن تبریز بود در هر دوری چهارده هزار و چهارصد خشت انداز بکار بود بالای قبه معبد منبع و یکصد و سی ذرع طول، جدار آن هشتاد ذرع»^{۱۱۸} ولی متأسفانه بنائی بدین عظمت را که غازان خان با کوششی بسیار برپا ساخت مانند اکثر ابنیه تبریز نتوانست در مقابل آسیبها و صدمات پی‌درپی زلزله و بخصوص سایر عوامل ویران‌گر مقاومت کند. با توجه به نوع مصالح و آجرهایی که بدانگونه در ساختمان شم بکار رفته بعید بنظر میرسد که تقریباً در هیچ شرایطی زلزله بتواند آنرا ویران کند. زیرا حتی در صورت وقوع سخت‌ترین زلزله‌ها بایستی لااقل باندازه سایر ابنیه تبریز که از نظر استحکام بمراتب از آن سست‌تر بودند باقی میماند. باید

۱۱۷- چهل‌مقاله حاج حسین نخجوانی بکوشش یوسف خادم‌هاشمی‌نسب ص ۴۲.

۱۱۸- ر.ک. به ص ۹۰ تاریخ نادر میرزا.

تعصبات مذهبی از يك سو و فراوانی و ارزشمندی مصالح این بنا را از سوی دیگر از مهمترین عوامل ویرانی آن بحساب آورد. مثلا در مورد اینگونه تخریب‌ها شاهزاده نادر میرزا چنین مینویسد: «این بنا باقی بود تا بسال... (۴) از هجرت پادشاه اسلام پناه (۴) صفوی بسبب این وهم که لشکر عثمانی شب غازان مأمن و محکمه کند حکم بانهدام (آن) فرمود. اطراف حصار به لشکر ایرانی تقسیم شده چهار روز بنیاد این حصار استوار را برافکنند.»^{۱۱۹}

کاتب چلبی در سال ۱۰۴۵ که با سپاهیان عثمانی به تبریز آمده بود در کتاب جهان‌نمای خود از عظمت مقبره غازان خان و آبادی اطراف آن سخن رانده و شرح مبسوطی درباره باغها و اشجار قصر عادلیه آورده است.

تاورنیه نیز در سال ۱۰۴۶ بایران آمده و بنای شام‌غازان را دیده و آنرا ستوده است. وی می‌نویسد با وجود اینکه این بنا نیمه خراب است ولی هنوز ارتفاع آن خیلی زیاد و قطر محور آن ۵۰ قدم میشود و نیز اضافه میکند که دیوارهای بسیار بلندی دارد و چمنزار اطراف آن دلالت بر قدمت آن مینماید. این بنا در سال ۱۶۵۱ میلادی در اثر زلزله ویران شده و برج آن از بالا تا پائین شکاف برداشته است، حتی قسمتی از آنهم فرو ریخته است و می‌مانند سایر سیاحان اشاره بخطوط قرآنی نموده و مینویسد اسماء الله در گچ‌بریها نوشته شده بود و نیز از گچ‌بریهای این عمارت و آجرهای منقوش آن جمله (غازان قان) (خلد الله ملکه) و لفظ جلاله و سایر اسماء الله را بخط کوفی نوشته بودند از این قبیل نوشته‌ها در غازانیه بسیار دیده شده است حتی اکنون هم یافت میشود.^{۱۲۰} و برپیشانی این مقبره با کاشیهایی باخط بسیار عالی چند سطر در تعریف غازان - خان و توصیف بنا و تاریخ ساخت آن نقش گردیده بود که عین خطوط خوانده

۱۱۹ - ر.ک. کتاب تاریخ دارالسلطنه تبریز

۱۲۰ - این سیاحتنامه را اخوی‌زاده دکتر عباس نخجوانی در اروپا دیده و این قسمت را از آن کتاب یادداشت کرده است - ص ۴۳ چهل مقاله حاج حسین نخجوانی.

شده که دارای اهمیت تاریخی فراوان است در مقاله آقای دکتر محمد جواد مشکور در مجله باستانشناسی و هنر شماره سوم سال دوم (۱۳۴۸) در صفحه ۲۶ مضبوط میباشد.

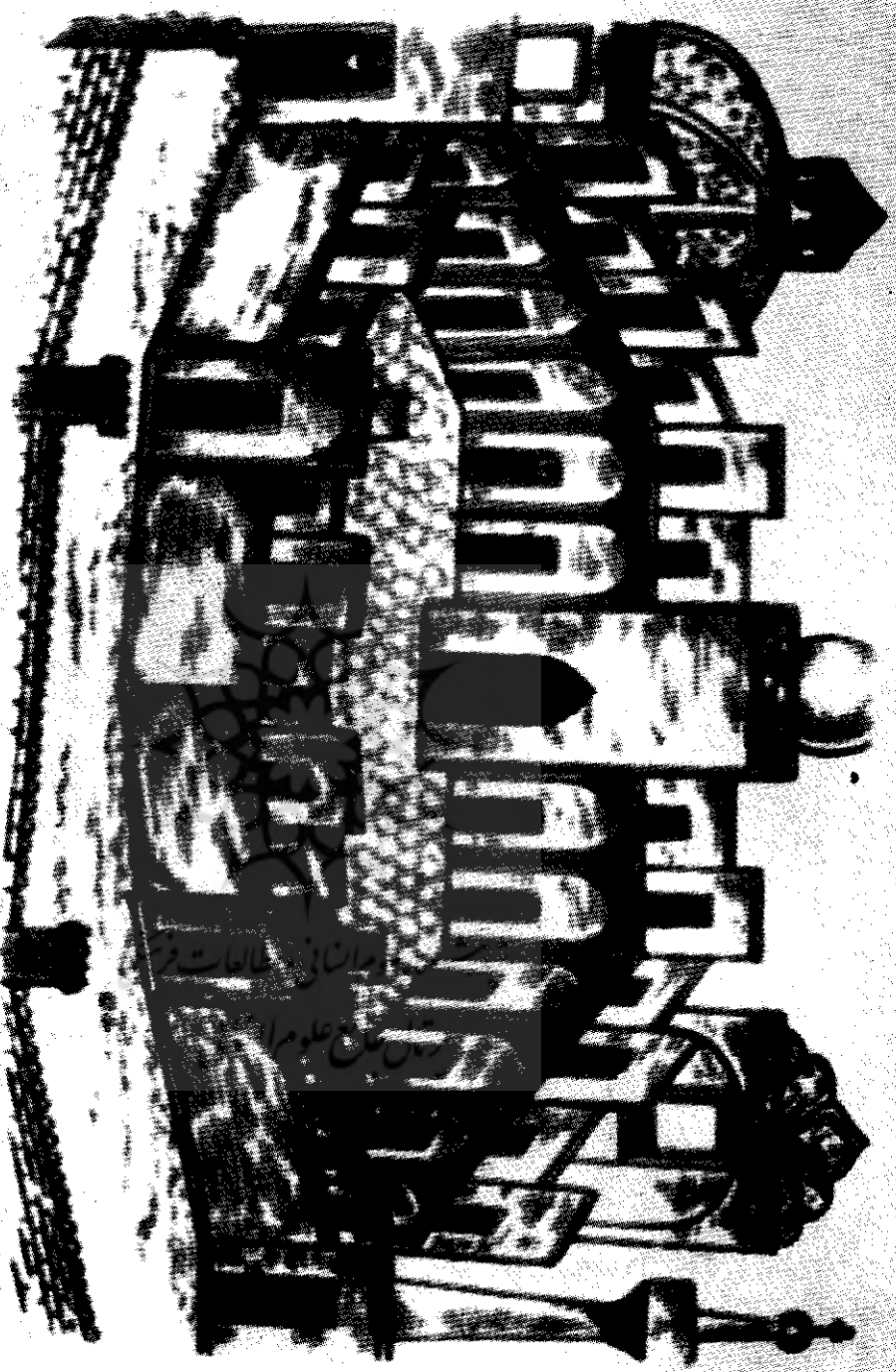
بطور کلی اکثر سیاحانی که در سده نهم و دهم هجری بایران آمده اند در سفرنامه های خود راجع به بناهای شب غازان مطالبی ذکر کرده و تقریباً متفقاً از عظمت و جلال و شکوه بنای غازانی سخن رانده اند ولی متأسفانه تقریباً هیچ يك به جز «ویلبر» مدارك جالبی از طرح و نقشه و چگونگی بنای آن ارائه نداده اند. طرح شکل (۱)

ژان شاردن سیاح فرانسوی که در سال ۱۶۷۳ میلادی در زمان شاه سلیمان صفوی تبریز را دیده مینویسد: «... از مقبره غازان خان امروز فقط يك منار شکسته بلند باقی است و منار غازان خان نامیده میشود.»^{۱۲۱} از این گفته بخوبی پیداست که این بنا با سرعت شگرفی در مدتی کمتر از پنج قرن تقریباً با خاک یکسان شده است.

در حال حاضر دیگر هیچ اثری جز تلی خاک از این بنای باشکوه باقی نمانده، تنها بعضی از مصالح آن بویژه آجرها و کاشیهای آنرا میتوان بطور پراکنده در سایر ابنیه تبریز یافت بخصوص در بنای مسجدی که در مجاور آن ساخته شده و قسمت اعظم مصالح مسجد از شام غازانی تهیه شده است.

در بازدیدی که ویلبر در سالهای ۱۹۳۷ از این محل بعمل آورده موفق به جمع-آوری قطعاتی گردیده که کار تحقیق وی و دیگر باستانشناسان را آسان تر ساخته است مشارالیه می نویسد: «... در محل ساختمان آجرهایی به ابعاد ۲۷ سانتیمتر مربع و به ضخامت ۷ سانتیمتر در خاک افتاده بود و همچنین قطعاتی با حروف کوفی پیدا شد و نیز تعداد زیادی آجر که پوشش لعابدار آبی دارند و شاید زمانی

۱۲۱- ر.ک به ص ۲۹۰ سیاحتنامه شاردن.



117. Tefpur. Karsuwar in: Auzumayyap. XIV n.)

۱- طرح بنای غازانی (تصویر از کتاب معماری آذربایجان)

در سطح گنبد بکار رفته بوده اند.

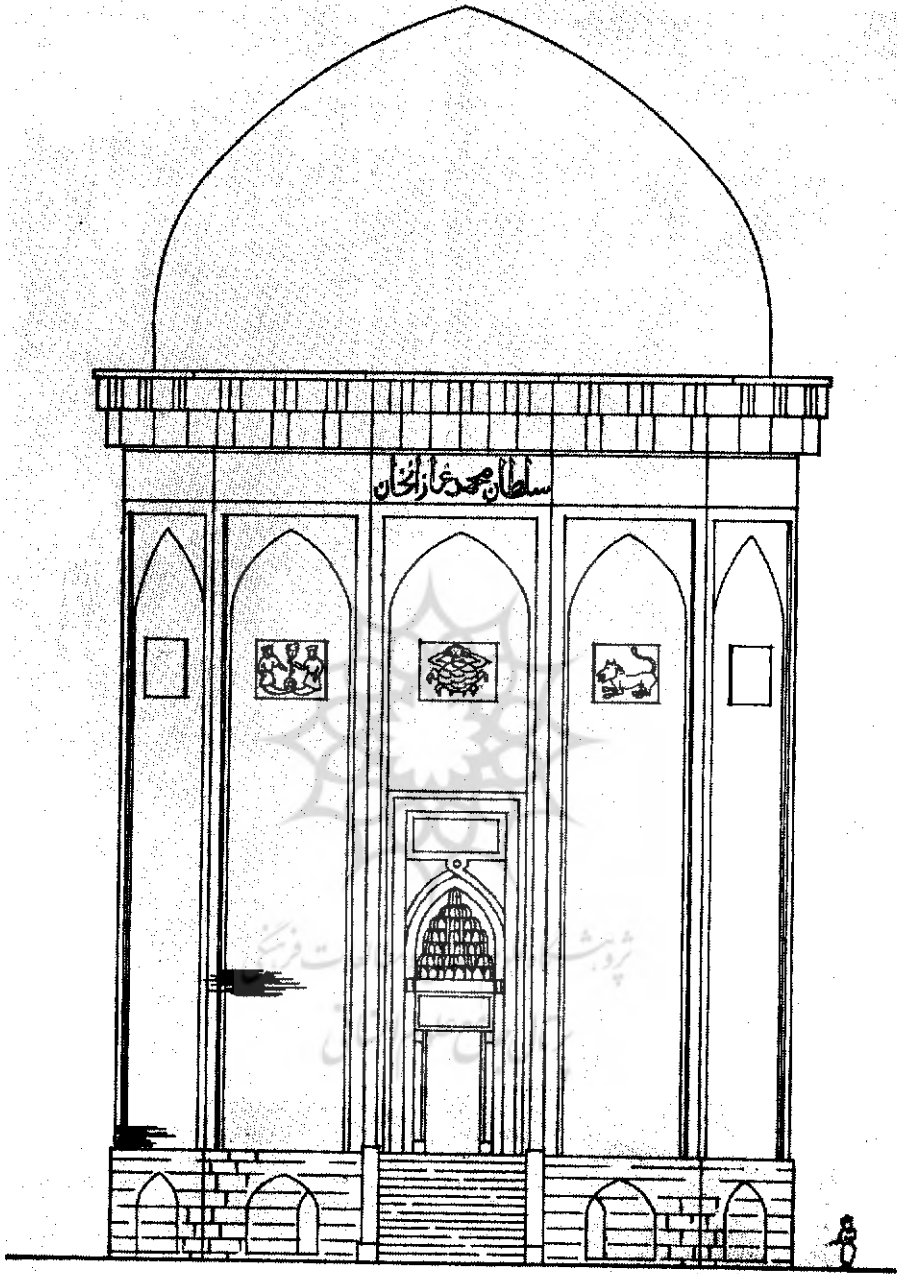
قطعات سفالی فراوان شامل قطعات آبی و نیلی و کاشی سیاه بود. این رنگها با ترکیبهای مختلف در طرحهای تسمه‌ای و بانقوش گنجانیده شده در ساختمان آجری، بکار میرفته است. و کاشیهای لعابدار که بشکل کثیر الاضلاع و قطعات باد بادک مانند در آورده شده نیز پیدا شد. بعضی نقاشیهای بازمینه لعابی و برخی جلای فازی دارند ... به علاوه قسمتی از شرح مقبره توسط رشیدالدین نشان میدهد که پنجره‌های سرداب از سطح زمین بالاتر بوده و بنابراین کف اطاق مقبره می‌بایست از سطح زمین بلندتر بوده باشد. ۱۲۲ و یلبر با اظهار این بیان که اطاق مقبره بلندتر از سطح زمین بوده خواسته است ثابت کند که طرح گنبد غازانی از طرح برجهای مخصوص مقابر آسیای صغیر ملهم گردیده است و تقریباً با همان مقیاس طرح گنبدی خجندی را ترسیم نموده است. (شکل شماره ۲)

ربع رشیدی :

دیگر از بناهای باستانی تبریز ربع رشیدی میباشد که اختصاراً درباره آن در شماره چهار-سال پنجم سخن رفته است. مجموعه این شهر دانشگاهی بفرمان خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر غازان بنا گردید. ولی آن بنای عظیم نیز مانند شنب‌غازانی در اثر زلزله‌های سهمگین و دیگر حوادث تاریخی بکلی ویران شده و امروزه جز خرابه‌ای از آن چیزی باقی نمانده است. ولی چنانکه در تواریخ مسطور است روزگاری خود تقریباً شهری عظیم و مستحکم بوده و تنها در زمان غازان خان ۳۰۰۰ خانه و ۱۵۰۰ دکان و ۲۴ کاروانسرا، حمام، آسیاب، کارخانه، ضرابخانه، صباغخانه و باغ زیادی در اطراف آن احداث گردیده بود ۱۲۳ «طاقها و دیوارها بیشتر مقرنس و سنگها همه یکرو تراش کرده و باصل دیوارها بکار برده، بومیان تبریز اینجارا رشیدی گفتندی.

۱۲۲- رک به کتاب معماریهای اسلامی ایران در دوره منول تألیف دونالد ویلبر ترجمه دکتر عبدالله فریاد.

۱۲۳- تاریخ تبریز مینورسکی و معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان تألیف دونالد ویلبر ترجمه دکتر عبدالله فریاد.



۲- طرح مقبره غازانخان (تصویر از ویلبر)

سنگ و آجر این بنا [را] مردم نادان برکنندند و بکار بردند بعمارات خویش اکنون هیچ از آن بجای نمانده مگر گودالها که برای اخراج سنگ و آجر حفر کرده اند و پی و ریشه برجی عظیم در تلی مشرف بکوی باغمیشه و این بنا بشمال تبریز محلی است. چون با سنگ و آجر و آهک خالص با کمال دقت عمارت شده است. ۱۲۴ (عکس شماره ۳-۴)

این بنا تا دوره صفویه پایرجای و سالم مانده بود و مدتی جزو ابنیه دولتی محسوب میگردد اکثر سیاحان متفقاً از کثرت اطاقها و استحکام حصار آنها سخن گفته اند. کلاویخو در سفرنامه خود آنرا یکی از بزرگترین و عظیمترین بناهای آن روزگار ذکر کرده است، متأسفانه از آن چنین بنای عظیم و استوار چیزی باقی نمانده فقط قسمتی از برج آن در وسط باغی برجای مانده که باز هم از نظر تزیینی نمایشگر شکوه و عظمت دیرین آن میتواند بود.

شاردن که در قرن هفدهم از این محل بازدید کرده در سیاحتنامه خود از قصری بنام رشیدیه سخن رانده است و نیز دونالد ویلبرمی نویسد: «رشیدالدین برای پیشرفت علم و صنعت طرحهای مفصلی در نظر داشت و قبل از سال ۱۳۰۰ میلادی به ساختمان یک شهر دانشگاهی دست زد. یکی از مورخین که زمانی از شاگردان و دست پروردگان او بوده می نویسد در زمان مغول وقتی تبریز پایتخت کشور شد، جمعیت شهر رو به افزایش نهاد و در حومه شهر خانههای بسیار ساخته شد تا اینکه بالاخره در خارج هر دروازه حومه به بزرگی خود شهر به وجود آمد ... سپس در بالای شهر و در کنار تپه ولیان و در داخل محوطه دیوار غازان خان رشیدالدین وزیر غازان خان، حومه دیگری ساخت که بنام ربع-رشیدی معروف گشت و در این محل قصرهای مجلل و ساختمانهای بزرگ بنا کرد.» ولی با وجود تمام طرحهای مستدل و پیش بینی های لازم، این شهر دانشگاهی خواجه رشیدالدین نتوانست پس از قتل وی نقش عمده ای داشته

باشد و با احتمال قوی بعد از مرگش امور اداری رشیدیه از هم پاشید و پس از مدتی پسرش در اداره آن همت گماشت و ساختمانهایی بآن افزود. در زمان پادشاهی تیمور حکومت تبریز به پسرش محول گردید که چنانکه گذشت آن شاهزاده مغرور و نیمه دیوانه بی جهت دشمن آبادانی بود و مانند سایر بناهای عظیم که در زمان او بویرانی کشیده شد امر بتخریب رشیدیه نیز صادر کرد. اطراف و حومه رشیدیه مانند مقبره غازان خان و سایر ابنیه تاریخدانان دوره مغول قطعاتی شامل کاشیهای هشت گوشه لعابدان نیلی و آبی که بعضی از قسمتهای آنها کنده کار پها شده و همچنین طرحهای تسمه‌ای باباریکه‌های سفال نیلی و آبی که حفره‌های آنها با گچبری پر شده و قطعات کتیبه که با کندن و تراشیدن لعاب زمینه آنها بصورت حروف در آمده است یافت میشود و نیز تعدادی از کاشی‌های دوره صفویه در این محل بدست آمده است. ولی در حال حاضر برجز پایه برجی که بگمان قوی مربوط به بنای رصدخانه‌ای بوده بنای دیگری مشاهده نمیگردد.

ویلبر مینویسد: «..... در پایه‌های برجهای یکی شایان توجه مخصوص است این پایه از دیگران بزرگتر و از لحاظ نقشه با آنها فرق دارد. زیرا شامل مقطع مستطیلی است و نیز با دقت بیشتری ساخته شده است، زیرا روی پی سنگ ناصاف آن قطعات سنگ تراش قرار داده شده است. قسمتهای بزرگ قطعات روی بنا، هنوز در محل خود باقی است و نشان میدهد که قسمت بالای برج پیش آمدگی داشته است، اغلب این قطعات مرمر سیاه است و اگر همه آنها دوباره بکار برده نشده باشند، بعضی از آنها مستعمل است، پایه‌های ستون از زمان اشکانیان است و تعدادی سنگ قبر از دوره اسلامی در آنجا وجود دارد.» ۱۲۵

علاوه بر پایه برج و قطعات سفال لعابدان و سنگ مرمر خط دیوار

۱۲۵- ر.ک به کتاب معماریهای اسلامی ایران در دوره مغول ترجمه دکتر عبدالله فریار

ص ۱۴۲.

استحکاماتی در اطراف حومه بر روی ارتفاعات و بزرگترین تپه‌های آن ناحیه دیده می‌شود که بنا بنوشته ویلبر گمان می‌رود که این استحکامات همان‌هایی باشند که در زمان شاه عباس در اوائل سده هفدهم میلادی بنا گردیدند (عکس شماره ۵ - ۶)

مسجد جامع تبریز و مدرسه طالبیه :

مسجد جامع تبریز که اکنون دایر بوده و هنوز در آن نماز گزارده می‌شود در پشت بازار و وسط مدرسه طالبیه ساخته شده است. در اینجا چهار مسجد ۱۲۷ دیده می‌شود و بنظر می‌رسد که علت تعدد این مساجد مربوط به تعصبات و اختلافات مذهبی فرقه‌های مختلفه دین اسلام بوده است که هر یک از این فرقه‌ها مسجد خاصی را برای نماز خویش اختصاص داده‌اند.

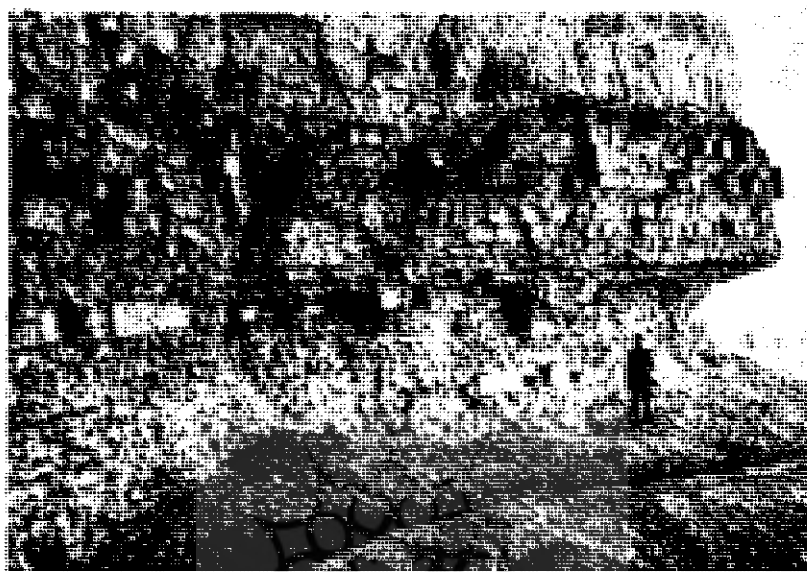
بنای یکی از این چهار مسجد بسیار قدیمی بوده و تاریخ دقیق ساختمان اولیه آن بدرستی معلوم نیست ولی این مسجد بر روی بنایی که احتمالاً در دوره سلجوقی ساخته شده تجدید ساختمان گردیده است. مسجد مزبور دارای طاق کوتاهی است و بهمین دلیل مردم محلی آنرا الجاق مسجد (مسجد کوتاه) مینامند.

بعلت تعمیراتی که در دوره‌های نسبتاً جدید بعمل آمده، این مسجد کلیه ویژگیهای تاریخی خویش را از دست داده و بکلی از صورت ابنیه باستانی خارج شده و بصورت بنای جدیدی درآمده است و نام فعلی آن بمسجد میرزا صادق-آقا مجتهد مشهور است.

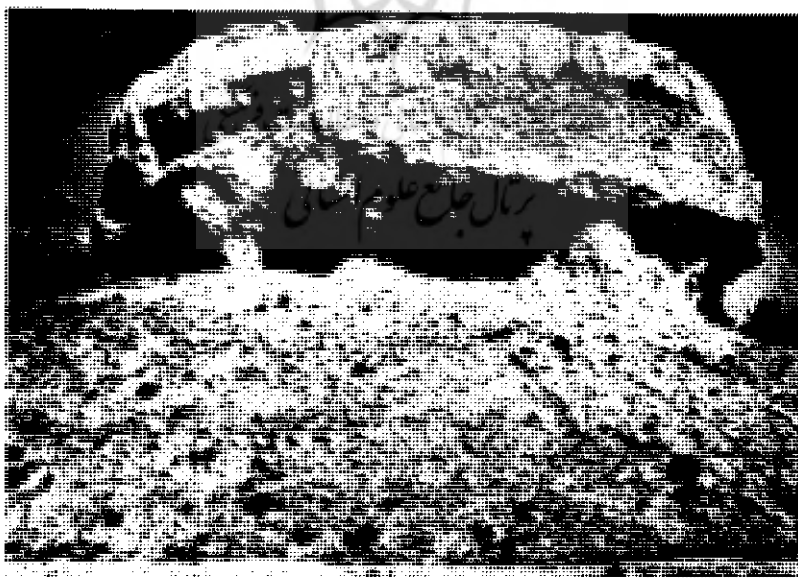
دومین مسجد که مسجد کوچکی با ستونهای سنگی و طاق‌های ضربی آجری است در جنوب دالان مدرسه ساخته شده و اکنون بمسجد اسماعیل-خاله اوغلی معروف است و سابقاً آنرا مسجد ملاحسن پیش‌نماز میخواندند.

۱۲۶- همان کتاب و همان صفحه.

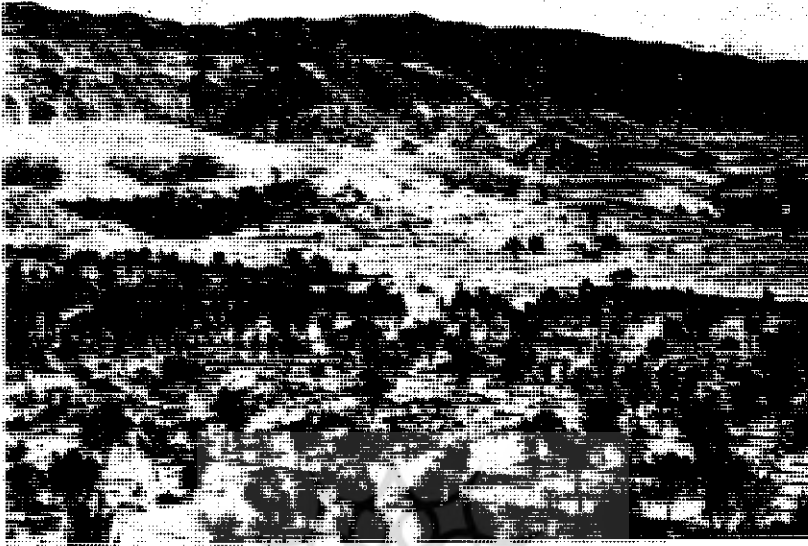
۱۲۷- شاهزاده نادر میرزا در کتاب تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز بعلت نامعلومی تعداد این مساجد را سه عدد ذکر کرده است.



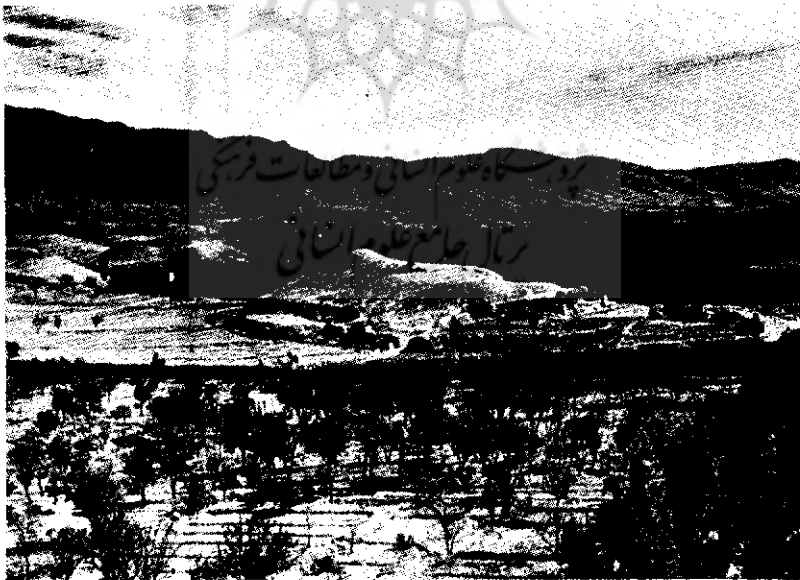
۳- ربع رشیدی جزئیات رده‌های فوقانی از قطعات سنگی تراشیده شده دیده میشود



۴- خرابه پایه مدور یکی از بناهای رشیدیه



۵- سمت شرقی ربع رشیدی



۶- شمال ربع رشیدی

(۱۶)

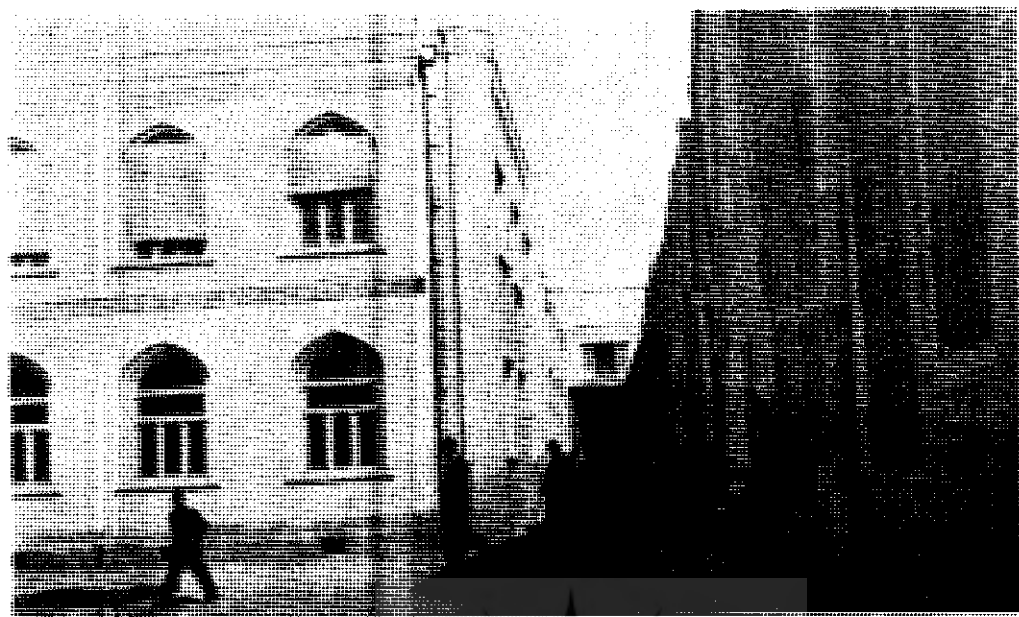
مسجد سوم یا مسجد جامع که پنجره های شمالی آن بحیاط مدرسه طالبیه مشرف بوده و در مغرب مسجد اسمعیل خاله اوغلی ساخته شده جدیداً معروف بمسجد مجتهد شده است. (عکس ۷)

چهارمین مسجد که بسیار قدیمی است و چندین بار در آن تغییراتی داده شده و اکنون بمسجد حجة الاسلام معروف است ستونهای آن از سنگ کبود دوباره سازی شده است و در سمت مغرب مسجد جامع واقع و پنجره های شمالی آن بصحن مدرسه باز میشود.

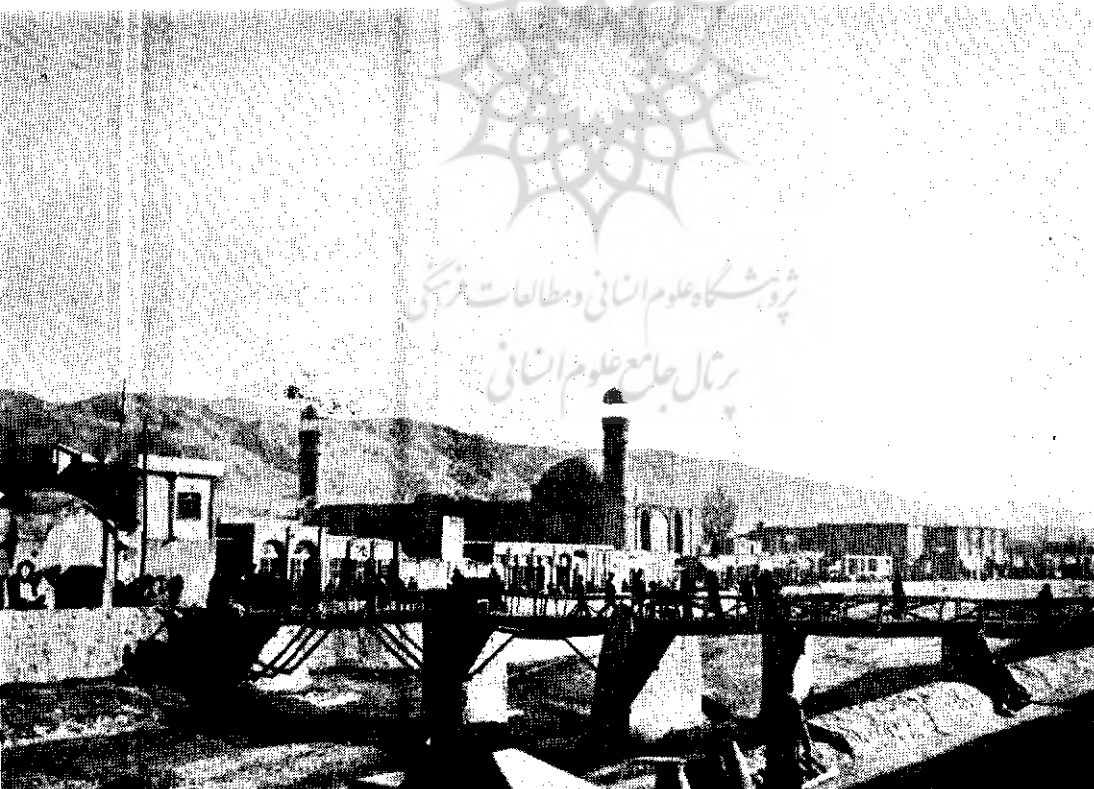
بانی اولیه این مسجد شناخته نشده ولی پس از اینکه بوسیله زمین لرزه ویران گردید، توسط حسینعلیخان دنبلی مجدداً بر همان سبک قدیم بنا شده است. طول این مسجد را میتوان بدو قسمت تقسیم کرد: طول قسمت اولی ۲۸ متر و در انتهای هر دو طرف دو طاق کوچک بطول ۲ متر ساخته شده است. قسمت دوم که عرضش زیادتر از ۱۵ متر میباشد، ۳۲ متر طول دارد و بوسیله دو جرز عریض و برآمده از قسمت اول مشخص شده است.

محراب در انتهای این قسمت (عرض جنوبی) واقع و در هریک از دیوارهای شرقی و غربی پنج طاق بعرض ۳/۶ متر و طول ۴/۶ متر، هنگام تعمیرات مسجد اوایل دوره قاجاریه اضافه شده است. در پشت دیوار شرقی این قسمت مسجد بزرگ و تاریکی بر پایه ها و طاقهای ضربی آجری بنا شده که به مسجد زمستانی معروف و فعلاً پایه ها و طاقهای آن فرو ریخته است.

در بالای مسجد جامع و همچنین در سردر مدرسه طالبیه (عکس شماره ۷) کتیبه های برجسته از سنگ مرمر نصب شده که شرح تعمیرات انجام یافته در دوره قاجار و موقوفات مدرسه و فرمانی در باب منهیات روی آنها حک شده است.



۷ - مدرسه طالبیه



پل قدیمی مهرانرود و نمائی از صاحب الامر

میرزا جعفر سلطانی القرائی بنقل از تاریخ دنبلی مینویسد «... اکنون همه آن آثار قدیمه خرابست و شهر یار سعید شهید احمد خان دنبلی بعمارت مسجد جامع بزرگ بودند تمام نشده بروضه رضوان شتافتند و خالا هم ناتمام است ولی نادر میرزا تعمیر آن معبد را از حسین قلی خان پسر احمد خان دنبلی دانسته است. مسجدی که نادر میرزا از آن بمسجد ملا محمد حسن پیشنماز تعبیر کرده بنظر من همان است که در جانب شرقی مسجد جامع و در طول (آلچاق مسجد ساخته شده است) و آن در این ایام بمسجد میرزا اسمعیل خاله اوغلی معروف است، وقتی در این مسجد حاج میرزا عبدالعلی آقا پسر حاج میرزا محمد معروف به بالا مجتهد که یکی از برادران آقا میرزا صادق آقا مجتهد (ره) بود اقامه جماعت میکرد» *

در این مسجد سه لوح سنگی وجود دارد. یکی در بالای در شرقی صحن مسجد جامع که از خارج در روبجانب خاوری در زیر طاق در سال ۱۲۱۶ هجری قمری کار گذاشته شده و در باره احکام اوایل سلطنت فتحعلیشاه قاجار باخط ثلث نوشته شده و دیگری که از هر دو آنها بزرگتر است در زمان شاه سلطان حسین صفوی (۱۱۰۶ هجری) در پانزده سطر بخط ثلث بسیار زیبا نوشته شده و سومی در یکی از طاقهای کم عرض طرف غربی قسمت اول مسجد سنگ مرمر صافی بابعاد (۱/۱۲ × ۱/۷۲) متر بدیوار جنوبی طاق نصب شده که شرح تعمیرات انجام یافته و رویای صالحه شاه طهماسب اول صفوی در دوازده سطر بخط ثلث در سال ۹۷۲ هجری قمری توسط علاءالدین محمد تبریزی برشته تحریر در آمده است.

* - تاریخ تبریز مینورسکی ص ۹۸

آقای سلطان القرائی متحمل زحماتی شده و شخصاً سنک نوشته خوانده و مینویسد :

« فرمان قضا جریان شاه ستاره سپاه خاک آستانه خیرالبشر مروج مذهب ائمه اثنی عشر غلام امیر المؤمنین حیدر علی بن ابیطالب السلطان بن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان خلدالله ملکه و سلطانه شرف نفاذ یافت آنکه بنا بر رؤیای صالحه که در شب پنجشنبه دوازدهم شهر شعبان اودئیل اثنی و سبعین و تسعمائه حضرت حجة قائم صاحب الامر والزمان صلوات الرحمن علیه رادرواقعه دیدم قامت اشرف آنحضرت بلند و روی کشیده و محاسن شریف يك قبضه و موی محاسن و شارپ خرمائی و چشم و ابروی آنحضرت سیاه و ضعفی در بشرة مقدس آنحضرت ظاهر بود چنانچه گویا ریاضت کشیده اند و تاج سقرلاط قرمزی بی دستار بر سر اشرف داشتند و جامه قلمی آجده که ظاهرآ رنگ آن نخودی بود و بالاپوش قلمی آجده که غالباً سفید بود پوشیده بودند و چاقشور تیماج زرد در پای مبارک داشتند و هیچکس آن حضرت را نمیدید و آواز مبارک آن حضرت را با اینکه بلند سخن میفرمودند غیرمن کسی نمی شنید و بعداز ظهور آنحضرت فی الحال من فریاد کردم و کسی نشنید و آنحضرت بعداز بیرون آمدن در ایوان طاق بندی که تخمیناً طول آن ده زرع بوده باشد و روی آن ایوان بقبله بود بوجهی که پشت مبارک آنحضرت بجانب میان مغرب و قبله بود منحرف نشستند و کف پایها را نزدیک یکدیگر روبرو بر وجهی که کف بکف نرسیده بود نهادند ، پس رفتم پیش و پای راست آنحضرت را میان بند پای مبارک وی و بند چاقشور بوسیدم بعد از آن آنحضرت برخواستند (کذا) و فرمودند که این تمغاها را که بخشیده بسیار خوب کرده و اظهار خوشنودی فرموده ، فرمودند که تتمه را هم ببخش و فرمودند که ما از تو راضی ایم یا از تو راضی میشویم

و بیادماند که از این دو عبارت کدام فرمودند بعد از آن فرمودند که روز بروز عمرت زیاده میشود و دولتت زیاده میگردد من عرض کردم که چون این امر مقبول شما است تنمۀ تمغاها را هم بخشیدم بعد از آن ، آن حضرت غایب شد بر وجهی که من ندانستم که چون غایب شدند لاجرم در روز پنجشنبۀ مذکور حسب الامر آنحضرت صلوات الله علیه تنمۀ تمغاوات جمیع ممالک محروسه را در آذربایجان و عراق و فارس و خراسان و شیروان و گیلان خصوصاً تمغای دارالضرب طلا و نقره که تا غایت بخشیده نشده بود مؤکد به لعنت نامه بخشیدم و ثواب آنرا بحضرات چهارده معصوم صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین هدیه کردم و ثواب این اهداء را بحضرت صاحب الامر صلوات الله علیه هدیه کردم بنا بر این باید که ابواب جمع دارالسلطنۀ تبریز و شوارع ارض روم و عراق را که بمبلغ سه هزار و هشتصد و هشتاد و پنج تومان و هشتصد دینار در آن ملک جمع است از تاریخ واقعه مذکوره مسدود دانسته اصلاً طلبی از هیچ آفریده ننمایند و این بدعت سیئه را در آن ملک بدستور کل ممالک برطرف دانند مستوفیان عظام دیوان اعلی من بعد در دفاتر سنووات جمع آنرا ننویسند و اسم و رسم آنرا از صحائف دفاتر محو گردانند حاکم و اکابر دارالسلطنۀ تبریز مضمون حکم اشرف و اعلی را مؤکد به لعنت نامه دانسته یقین دانند که هر کس از مضمون آن تجاوز نموده من بعد بهر صیغه و عنوانی که باشد از آن ابواب چیزی گیرد و هر کس بدان رضا دهد و کسی که بر حقیقت آن مطلع شود معروض ندارد و آن جماعت را بر وجهی سیاست خواهیم فرمود که باعث عبرت دیگران گردد فمن بدله بعد ما سمعه فانما ائمة علی الذین یبدلونه ان الله سمیع علیم از جوانب بر این جمله روند و از فرموده عدول نورزند فی عشر ثالث شهر شوال اودئیل الثنی و سبعین و تسعمائه کتبه علاءالدین . . .

مسجد جامع علیشاه معروف به ارك:

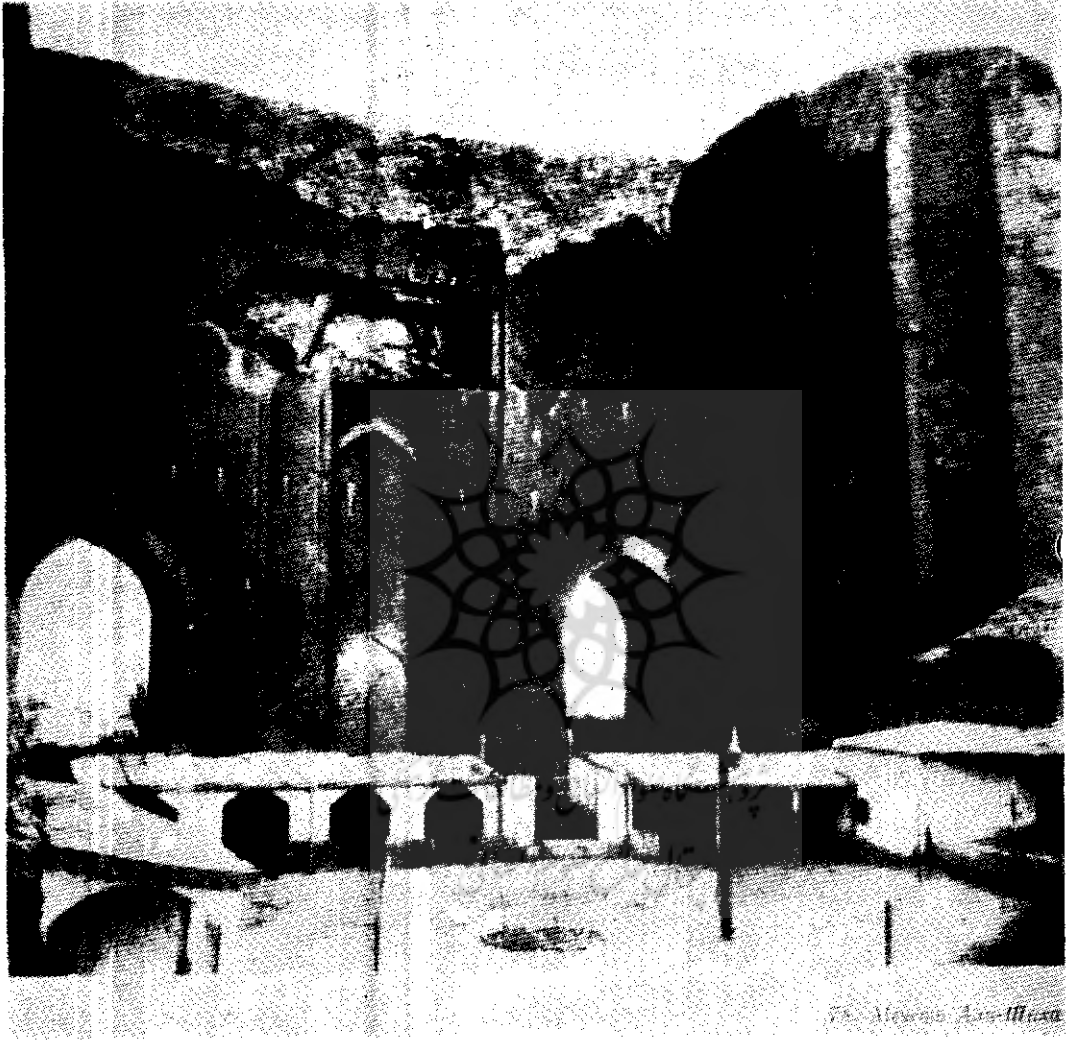
یکی دیگر از ابنیه قدیمی و شکوهمند تبریز که بی شک از شاهکارهای مسلم هنر معماری اسلامی بحساب میآید مسجد تاج الدین علیشاه وزیر اول جایتو معروف به مسجد جامع یا ارك علیشاه میباشد. این بنا متأسفانه بسر نوشت اکثر ابنیه باشکوه تبریز دچار شده و بوسیله دست بیرحم و ویرانگر زلزله خراب شده و اکنون از آن تنها دیوارهای عظیم برجای مانده است. ولی حتی از خلال همین ویرانهها نیز میتوان به زیبایی و شکوه روزگار آبادانی آن پی برد و دریافت که این سخن حمدالله مستوفی در کتاب خویش که بسال (۷۲۷ هـ ۱۳۳۵ میلادی آنرا نگاشته و در توصیف این بنا گفته است: «... قسمت داخلی مسجد جامع، که توسط علیشاه در تبریز ساخته شد، بزرگتر از ایوان مدائن بود...»^{۱۲۹} حرفی بگرافه نبوده است. عکس (شماره ۸) تقریباً هیچ نوشته ای را که در باره آثار باستانی آذربایجان نگاشته شده باشد نمیتوان یافت که در آن عظمت و بزرگی این بنای تاریخی باعث شگفتی محققین نشده باشد. در میان انبوه این آثار، نوشته های حمدالله مستوفی و ابن بطوطه (که بین سالهای ۱۳۳۰-۱۳۳۵ میلادی نوشته شده) و یکی از همراهان سفیر قاهره که بدربار سلطان ابوسعید میرفته از همه دقیق تر است، این مسجد بین سالهای ۷۱۱-۷۲۴ هجری (۱۳۱۰-۱۳۲۲ میلادی) در زمان حکومت سلطان ابوسعید بوسیله وزیر زیرك و کاردانش خواجه تاج الدین علیشاه جیلانی با

۱۲۸- ر.ک به ص ۱۰۹ تاریخ تبریز تألیف فادر میرزا.

۱۲۹- ر.ک. به معماریهای اسلامی ایران در دوره ایلخانان - ذیل عنوان مسجد جامع علیشاه و نیز ن.ک به مجله هنر و مردم - شماره ۹۱ اردیبهشت ماه ۱۳۴۹ - مقاله مسجد علیشاه جیلانی نوشته دکتر محمد جواد مشکور.

۸- قدیمی ترین عکس مسجد علیشاه (تصویر از کتاب معماری آذربایجان تألیف ل. س. یوتانتیسکی)





۹- ایوان مسجد علیشاه (تصویر از کتاب معماری آذربایجان از سده ۱۲ تا ۱۵ میلادی تألیف ل. س. یرتانیسکی چاپ مسکو سال ۱۹۶۶)

کمک های خواجه رشیدالدین فضل‌الله ساخته شد و چنانکه پیداست بنای آن قریب به سیزده سال طول کشید .

با توجه به آنچه که از این بنا باقیمانده و نیز با مراجعه به انبوه سفرنامه‌ها و نوشته‌ها و روایات با ارزش میتوان گفت که ایوان عظیمی به عرض ۳۰/۱۵ متر ساختمان اصلی بنا را تشکیل میداده است . (عکس شماره ۹)

دیوارهای این بنا که دارای ارتفاع سرسام آور ۲۵ متر میباشند تماماً از آجر ساخته شده و ۱۰/۴۰ متر ضخامت دارند. بدون شك این دیوارها در روزگار آبادانی مسجد، کاشی کاری و تزئینات دیگری چون سنگ مرمر و گچ‌بری داشته‌اند که اکنون چیزی از آنها باقی نمانده. حمدالله مستوفی در این باره چنین می نویسد: «..... خواجه تاج‌الدین علی‌شاه جیلانی در تبریز در خارج محله نارمیان مسجد جامع بزرگی ساخته که صحنش ۲۵۰ گز در ۲۰۰ گز و در او صفه‌ای بزرگ، از ایوان کسری بمذائین بزرگتر. اما چون در عمارتش تعجیل کردند [سقف آن] فرود آمد. در آن مسجد انواع تکلفات به تقدیم رسانیده و سنگ مرمر بی قیاس در او بکار برده و شرح آنرا زمان بسیار باید.....» ۱۳۰

بر روی این دیوارها طاقی بسیار عظیم و رفیع ساخته بودند. ارتفاع خط آغاز طاق از کف ۲۵ متر و ارتفاع فرضی بلندترین نقطه آن از زمین احتمالاً ۶۵ متر بوده است. اما ظاهراً خواجه علی‌شاه از بیم مرگ و اینکه ساختمان مسجد نیمه‌تمام بماند بقول حمدالله مستوفی فرمان داد تا در بنای آن عجله کنند و همین مسأله سبب شد که طاق مزبور از استحکامی چنانکه باید برخوردار نشده و فرو ریزد .

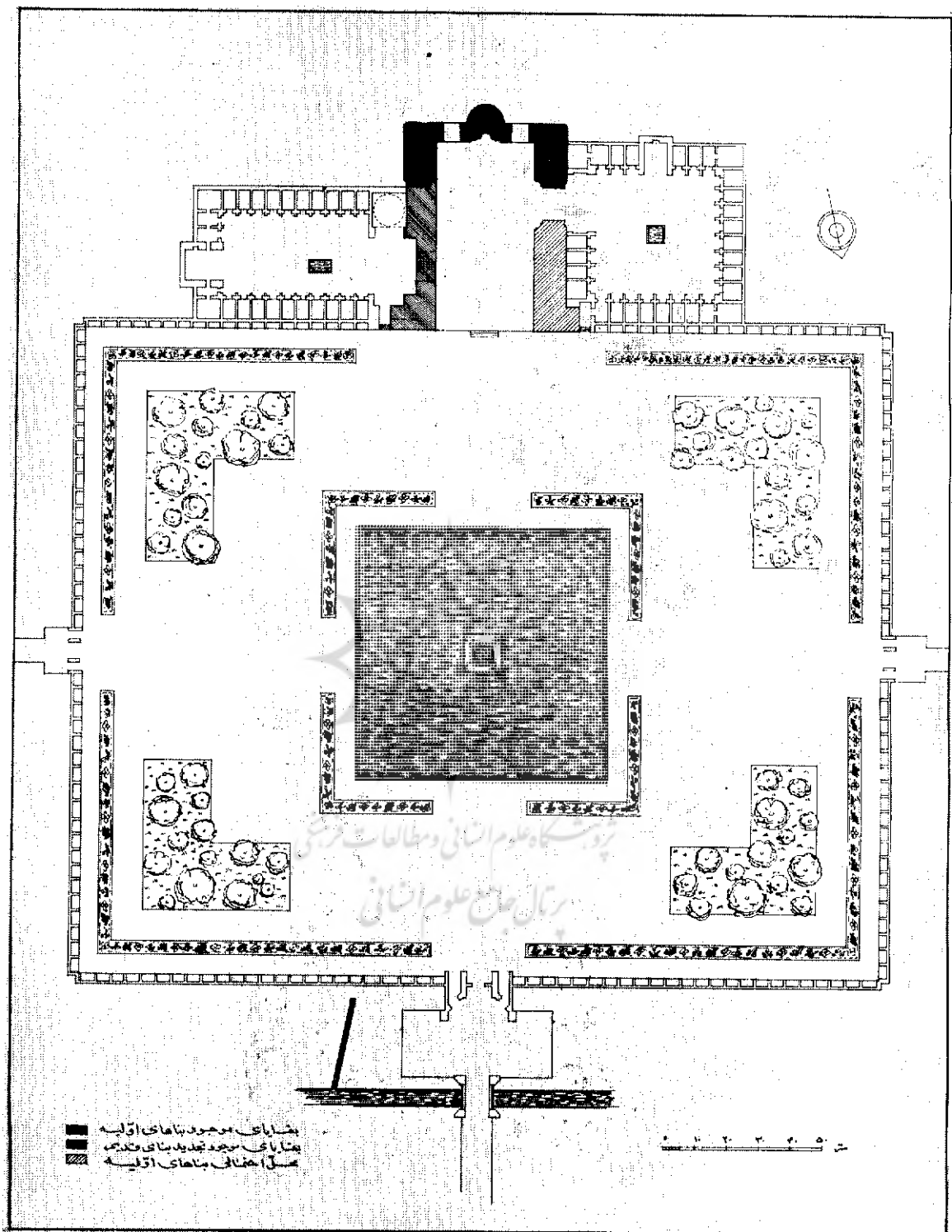
۱۳۰ - نزهة القلوب نوشته حمدالله مستوفی به تصحیح محمد دبیر سیاقی ص ۸۷.

عظمت این طاق به حدی بوده که بعضی از مورخین^{۱۳۱} اصولاً نتوانسته‌اند تصور وجود گنبدی بآن بزرگی را بمغز خویش راه دهند و آنرا اصولاً فاقد سقف دانسته‌اند، بدلائل متعددی این نظریه خطا است. نخست آنکه مورخین قدیمی چون حمدالله مستوفی و ابن بطوطه و کاتب چلبی و غیره صریحاً بوجود سقف اشاره کرده و حتی آنرا با طاق کسری مقایسه کرده ثانیاً ژان شاردن سیاح فرانسوی که حدود سال ۱۶۷۰ از تبریز بازدید کرده در شکل (شماره ۸) که از این بنا کشیده طاق نیمه مخروبه آنرا بطرز نمایانی مجسم ساخته است و در سفرنامه خویش تصریح کرده که ارتفاع آنچه که از طاق مانده بحدی است که از فاصله بسیار دور اولین بنائی است که از شهر تبریز بچشم می‌خورد. عکس (۱۱)

گذشته از این از نظر معماری این بنا نمیتوانسته است بدون طاق باشد زیرا دیوارهایی آنچنان مستحکم که بعرض ۱۰/۴۰ متر از آجر ساخته شده باشند محققاً برای نگهداری آنچنان طاقی بنا شده است.

دونالد ویلبر تحقیق جامعی درباره این بنا بعمل آورده و باتوجه بکلیه مدارک موجود نقشه مفروض ساختمان اصلی مسجد و ابنیه مجاور آنرا رسم کرده است (شکل ۱۰) ناحیه‌ای که در نقشه دوبار قلم زده شده و تیره مینماید باعتقاد ویلبر قسمتی از ساختمان اصلی ایوان بوده که از بقایای بنای اولیه است ولی نواحی کمرنگ‌تر از بقایای تجدید بنائی است که در دوره‌های قدیم صورت گرفته و ناحیه‌ای که در سمت راست ایوان قرار دارد و یک‌رج هاشور خورده

۱۳۱- مانند شاهزاده نادر میرزا که بمقل از عموی خویش مرتضی میرزا این بنا را فاقد سقف دانسته است.



۱۱- نقشه فرضی ساختمان اصلی مسجد جامع علیشاه، ز بنیه مجاور

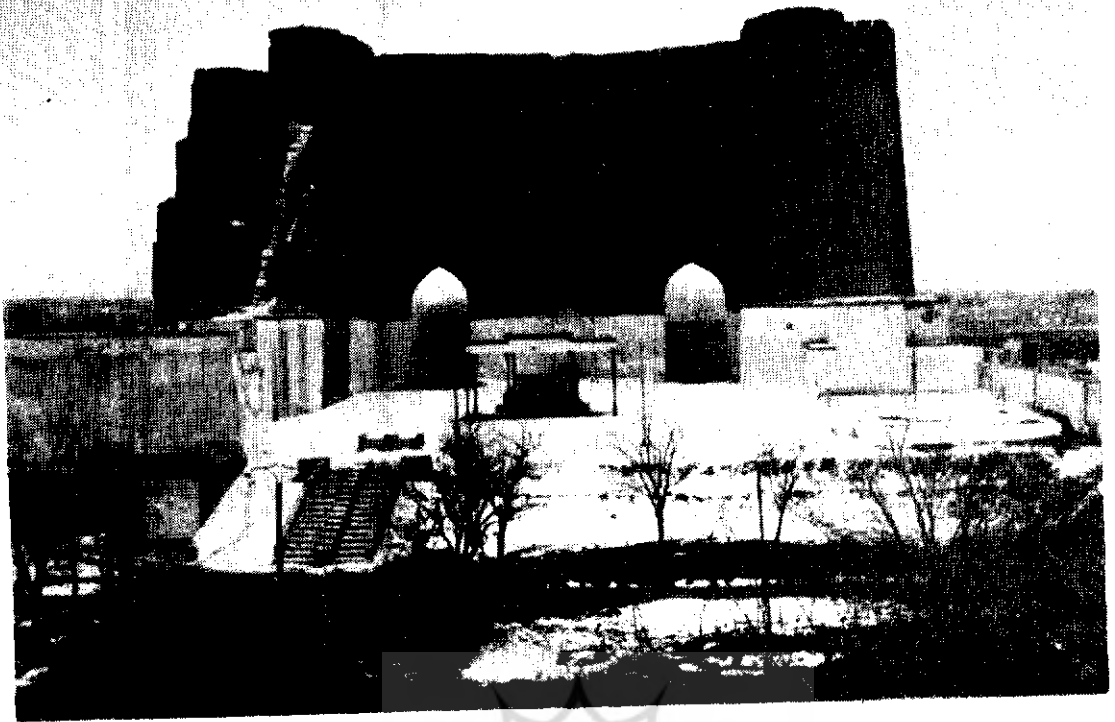


۱۰- منظره شهر تبریز بطوریکه شاردن در نیمه دوم سده هفدهم گنبد است (تصویر از کتاب دونالد ویلس)

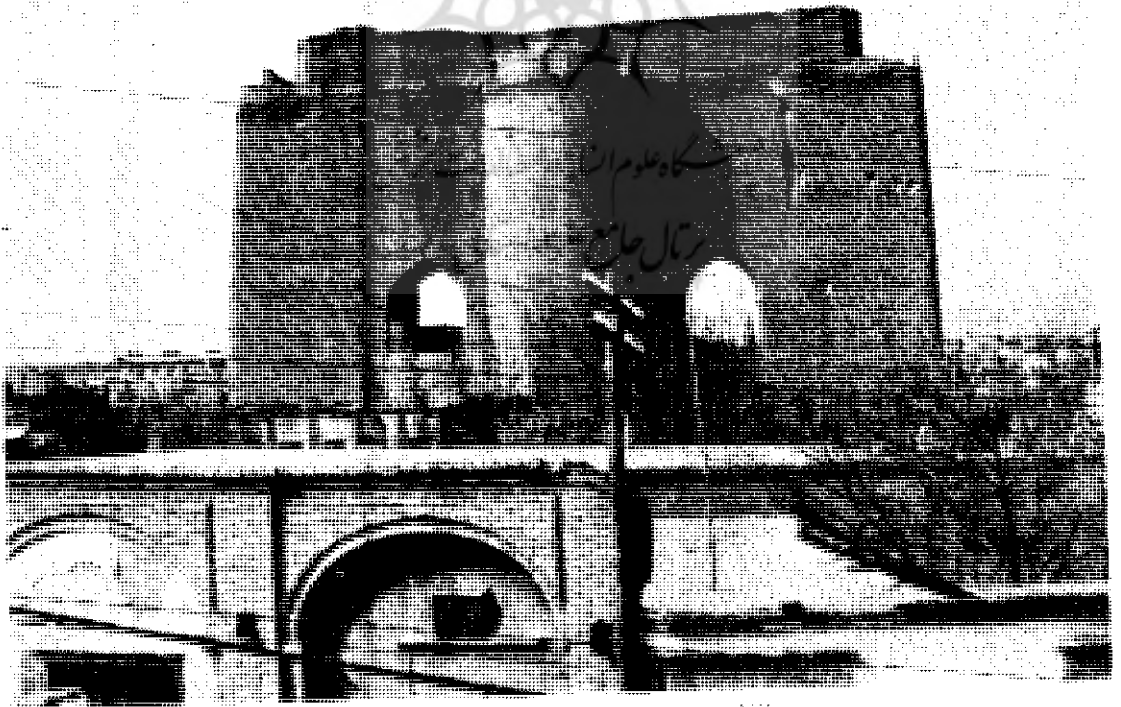
ظاهراً کوششی برای پر کردن شکل نقشه اصلی ایوان است. وی در مورد تزئینات داخلی بنای مزبور چنین مینویسد: «... منابع موجود اطلاعاتی درباره تزئین داخلی سطوح دیوار ایوان میدهد ولی بآن اندازه نیست که تصور کاملی بدست دهد. جوان مصری مشاهده کرده است که طاق نوک محراب با طلا و نقره تزئین و نقاشی شده بود و احتمال میرود که آنچه او دیده است محراب سفالین بوده که جلای فلزی داشته است. کسانی که در اوایل این ساختمان را دیده اند، از تزئین سفالی بر تماسی صحن صحبت داشته اند... هر سطوح دیوارهای آجری داخلی سوراخهای چوب بست در فواصل منظم دیده میشود. سوراخهای دیگر بر سطح دیوار وجود دارد، ولی تعداد آنها باندازه ای نیست که بتوان آنها را نقاط اتصالی سفال یا پوشش دیگری محسوب داشت. ایوان تابالای کف اصلی از خاک خرابه پر شده بطوریکه اثری از ازاره دیده نمیشود، ولی احتمال میرود که ازاره اطاق از سنگ تراش یا مرمر بوده است. ممکن است که سطوح دیوارهای داخلی با گچ سفیدکاری شده بوده ولی احتمال قویتر آن است که روی آنها پارچه بافته آویزان میکرده اند...» ۱۳۲

مادام دیولافوا طاق مزبور را چنین تعریف می کند: «این بنای با عظمت که ۲۵ متر ارتفاع دارد و قبل از ورود بشهر در فاصله زیاد نظر مسافرین را جلب میکند، در مرکز میدان وسیعی قرار دارد و دیواری بشکل کثیر الاضلاع آنرا محصور کرده و دارای برجهای مرتفعی است و اطراف آن خندق عریض و عمیقی بوده که اکنون يك قسمت آن پر شده است. دیوار آن با مهارت خاصی ساخته شده اگر بطور مایل بآن نگاه کنند درزهای قائم آجرها بشکل موازی بنظر میآیند که تمام متساوی البعد و در هر جا فاصله مابین آنها یکسان است.

۱۳۲ - ن.ک. به معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان ص ۱۵۹-۱۶۰.



۱۲- ایوان و پله های مسجد علیشاه (ارک) و قبر سربازگمنام که بعد از جنگ بین‌المللی دوم احداث شده است



۱۳- مسجد علیشاه یا ارک در حال حاضر

در اطراف این بنای نیمه خراب ابنیه نظامی جدیدی برپا شده که مخصوص سربازان ساخلوی تبریز است و يك كارخانه توپ ریزی هم هست که اکنون متروک و بدون استفاده مانده است. پلکان خرابی منتهی بپام میگردد و در بالای پام دو منزلگاه کوچکی است برای دیده بانها که بنوبه در آنجا باید ناظر باشند و حریق و سایر حوادث را اطلاع دهند. *

اشارات متعددی بوجود مناریامنازه‌ها در این مسجد شده ولی هیچ يك وضوح و روشنی کافی ندارند مثلاً جوان مصری در سفرنامه خویش بوجود دو مناره یا برج که هر کدام هفتاد ذرع بلندی و پنج ذرع عرض داشته‌اند اشاره میکند ولی بهیچوجه محل دقیق این مناره‌ها را ذکر نمی‌کند از آن گذشته در تصویرشاردن هم کوچکترین نشانه‌ای از وجود برج یا مناره بچشم نمیخورد و فقط در تصویر او دو برج مدور که روی آنها گنبد کوتاهی قرار دارد و در دو طرف نمای ایوان واقع هستند، از سطح زمین شروع شده و تا حدود خط آغاز طاق بالا رفته‌اند. بنظر میرسد که اگر هم این مسجد مناره‌هائی داشته تقریباً اندکی پس از ساختمان آن احتمالاً همزمان باریزش طاق ویران شده‌اند.

بطور خلاصه میتوان گفت که این بنا بخوبی نمایشگر اوج قدرت حکومت مغول در ایران و گواه عظمت منابع اقتصادی و استحکام نهادهای اجتماعی ایران در آن دوره بشمار می‌آید و همچنین از خلال ویرانه‌های آن مهارت و چیره دستی معماران هنرمند آن روزگار بخوبی پیداست و نیز این بنا نمونه‌ای عالی از تلفیق معماری اسلامی و معماری ساسانی بحساب می‌آید زیرا سازندگان آن کوشیده‌اند که با نرمها و معیارهای هنری زمان خویش بنائی شبیه به طاق کسری بسازند.

مسجد جهان‌شاه (مسجد کبود) :

یکی از زیباترین شاهکارهای معماری ایران مسجد کبود تبریز است

که از یاد گارهای سده نهم هجری بحساب می آید، نام این مسجد را بلهجه محلّی (گوی مسجد) و در فارسی کنونی مسجد کیود ضبط کرده اند. اما سابقاً بخاطر کتیبه ای که در طاق درگاه آن قرار داشته و اکنون نیز باقی است و بر روی آن جمله «العمارة مبارکة المظفریه» نقر شده است آنرا مسجد و عمارت مظفریه میخواندند. بانی این مسجد میرزا جهانشاه بن قرا یوسف ترکمان، سومین پادشاه طایفه قره قویونلو است. (عکس شماره ۱۴ و ۱۵)

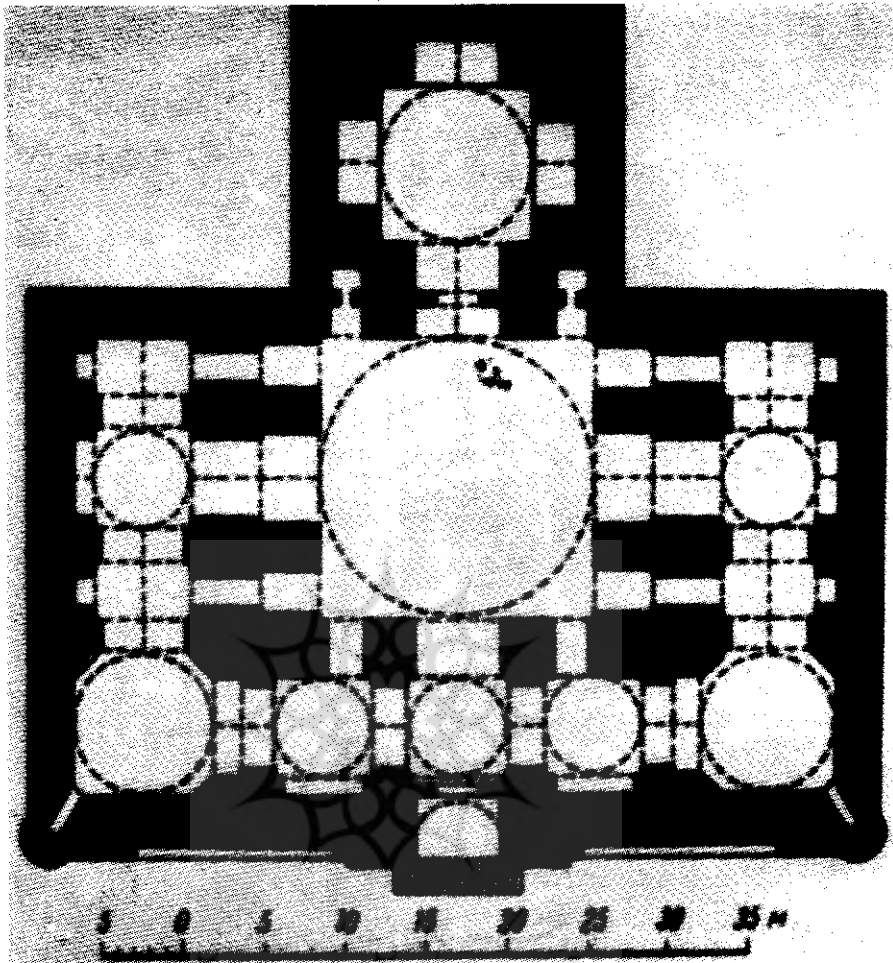
شاهزاده نادر میرزا وضعیت این بنا را چنین توصیف میکند: «... ارتفاع طاق جلوی این بنا پانزده ذرع تبریز است و دهنه این طاق هفت ذرع و یک چارک کم، صفه جلوی این طاق پنج پله که ارتفاع هر پله یک ذرع چارک کم میباشد طول صفه الی در مسجد چهار ذرع و نیم، دهنه در طاق مسجد سه ذرع و نیم است و طول فرش انداز این مسجد از دهنه در مسجد الی دهنه طاق مسجد بیست و چهار ذرع، عرض مسجد بیست و یک ذرع و نیم است، و دور گنبدی که محیط این گنبد بوده پنجاه و پنج ذرع...» ۱۳۳

چنانکه از اندازه های این بنا معلوم میشود این مسجد برخلاف اکثر بناهای تبریز عظمت و بزرگی قابل توجهی نداشته اما نباید فراموش کرد که تزئینات داخلی این مسجد یکی از زیباترین شاهکارهای کاشیکاری ایران بحساب می آید، بطوریکه زیبایی هنر تزئینی آن هر بیننده ای را مبهوت کرده است. از بین سیاحانی که از تبریز دیدن کرده اند تاورنیه فرانسوی ۱۳۴ دقیقتر از همه ظرایف هنر کاشیکاری این مسجد را توصیف کرده است. وی در این باره می نویسد: «... دیوارهای آن [از خارج] همه از کاشی اعلاب رنگهای مختلف پوشیده شده و از طرف داخل با نقش و نگارهای عالی بسبک معماری اعراب ۱۳۵ و

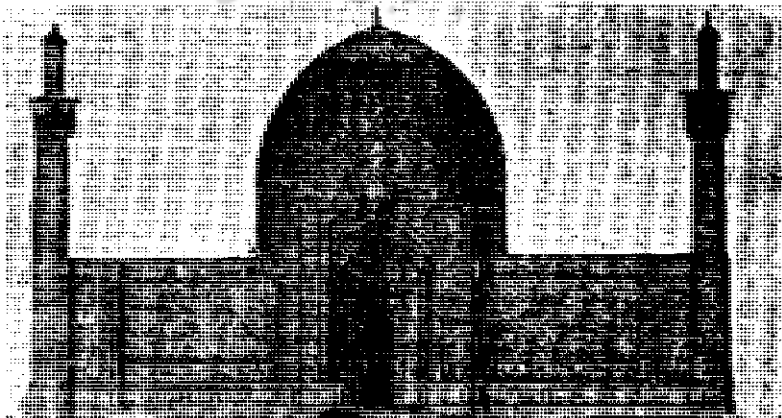
۱۳۳- ر.ک. به تاریخ دارالسلطنه تبریز تألیف نادر میرزا ص ۷۸ و ۷۹.

۱۳۴- این جهانگرد در سال ۱۰۴۶ هجری از تبریز بازدید کرده است.

۱۳۵- بنظر میرسد که منظور تاورنیه معماری اسلامی باشد زیرا تا آنجا که نگارنده آگاهی دارد در کشورهای عربی کمتر چنین بناهایی را میتوان دید.



۱۴ - نقشه زمینی مسجد کبود (تصویر از کتاب معماری آذربایجان تألیف ل. س. یرتانیسکی چاپ مسکو)



۱۵ - طرح اولیه مسجد کبود (تصویر از تاورنیه)
(۳۳)

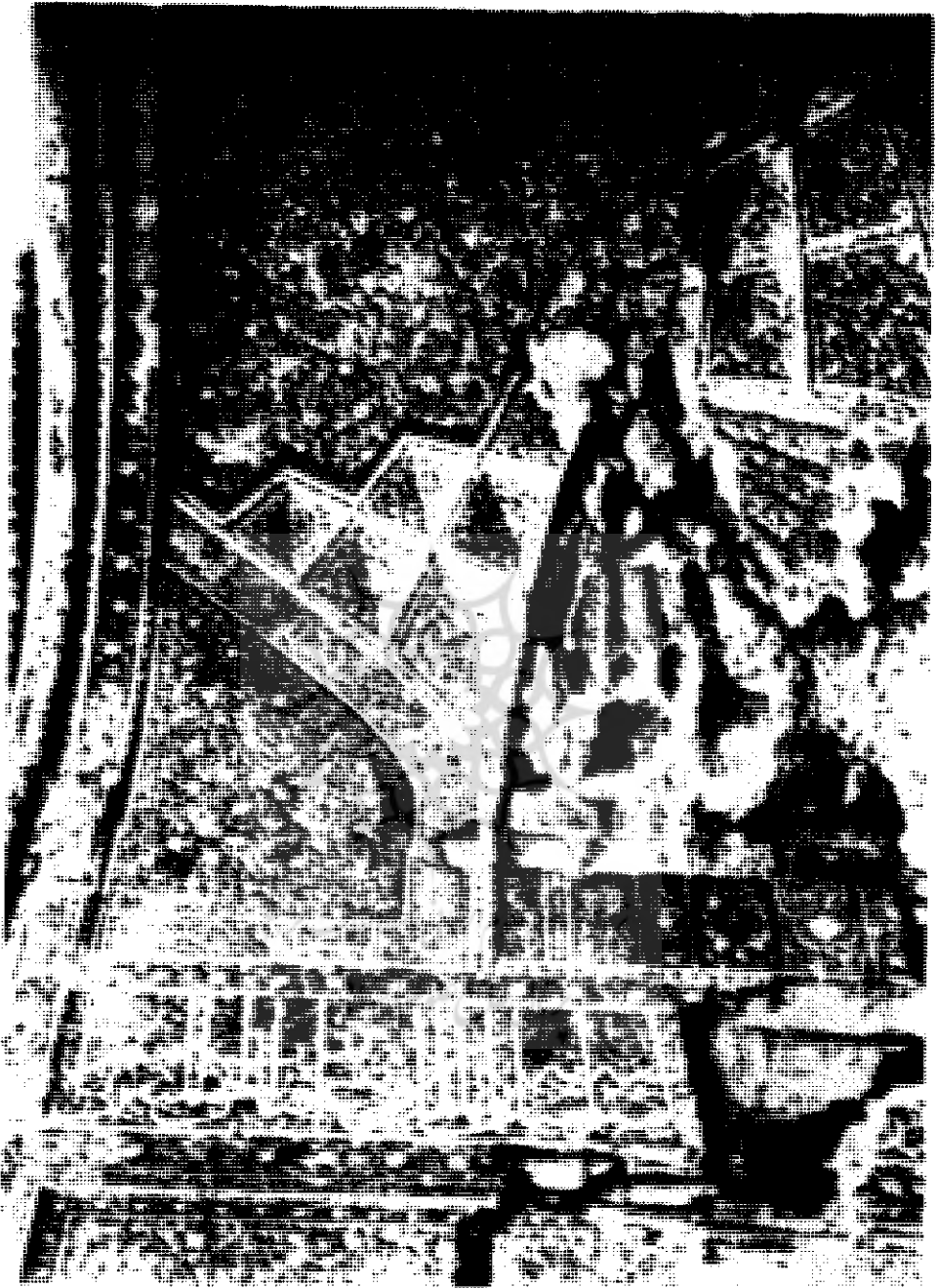
کلمات بسیار بخط عربی از طلا و لاجورد زینت یافته... تمام کنبند [آن] از مینای بنفشه رنگ است که روی آن اقسام گل‌های صاف نقاشی شده سطح خارج هردو کنبند هم از همین کاشیها مستور ولی نقاشی آنها برجسته است. روی کنبند اولی گل‌های سفید روی زمینه سبز و کنبند دومی ستاره‌های سفید روی زمینه سیاه و همه رنگها به باصره لذت میدهد. (تصاویر شماره ۱۶ و ۱۷)

آنچه که تاورنیه شرح داده مربوط به بیش از سیصد و پنجاه سال پیش است ولی متأسفانه بعدها این بنا تقریباً بکلی ویران شد ولی پس از چندی دوباره بطرز جدیدی تعمیر گشته است. آنچه که مسلم است در روزگار شاهزاده نادر میرزا یعنی در حدود سال ۱۳۰۱ هجری قمری هنوز آثار قابل توجهی از این بنا بچشم میخورد. زیرا وی با دقت قابل تحسینی مسجد کبود را چنین ذکر میکند: «... کاشی دیوارهای مسجد بار تفاع يك ذرع و نیم از زمین ببالا را با کاشی فیروزه رنگ که خوش رنگتر از فیروزه اصل است کاشی کاری نموده و میان این کاشیها را با کاشی سیاه و زرد بطور حصیر بافی کاشی بری کرده بالای این کاشی را بعرض نیم ذرع حاشیه قرار داده، بقدر چهار انگشت از این حاشیه را با کاشی کبود کاشی نموده و میان این کاشی را با کاشی سفید و زرد و فیروزه و سیاه بطور اسلیمی شاخ و برگ و گل و بوته طرح سازی و کاشی بری نموده است... بالای این حاشیه را بعرض يك چارک حاشیه دیگری قرار داده است که متن این حاشیه را هم با کاشی کبود کاشی سازی نموده است. وسط این کاشی را با کاشی سفید بخط ثلث بسیار خوش خط که بعرض يك انگشت پهنای خطوط است سورمبار که قرآن را کاشی بری کرده است و جمیع اطراف مسجد بهمین نحو بيك میزان کاشی- کاری شده است...» (عکس شماره ۱۸)

شاهزاده نادر میرزا واقعاً با وسواس و دقت قابل تمجیدی تمامی ریزه کاریهای تزئینات مسجد کبود را وصف کرده و بخوبی از عهده بیان و تشریح آن برآمده است.

۱۳۶- چهل مقاله نخبوانی ص ۹۰۸ و نیز نگاه کنید به سفرنامه تاورنیه ذیل ماده تبریز.

۱۳۷- تاریخ تبریز تألیف نادر میرزا ص ۷۹.



۱۶ - کاشیکاری‌های درونی مسجد کبود (تصویر از کتاب معماری آذربایجان)
«چاپ مسکو»

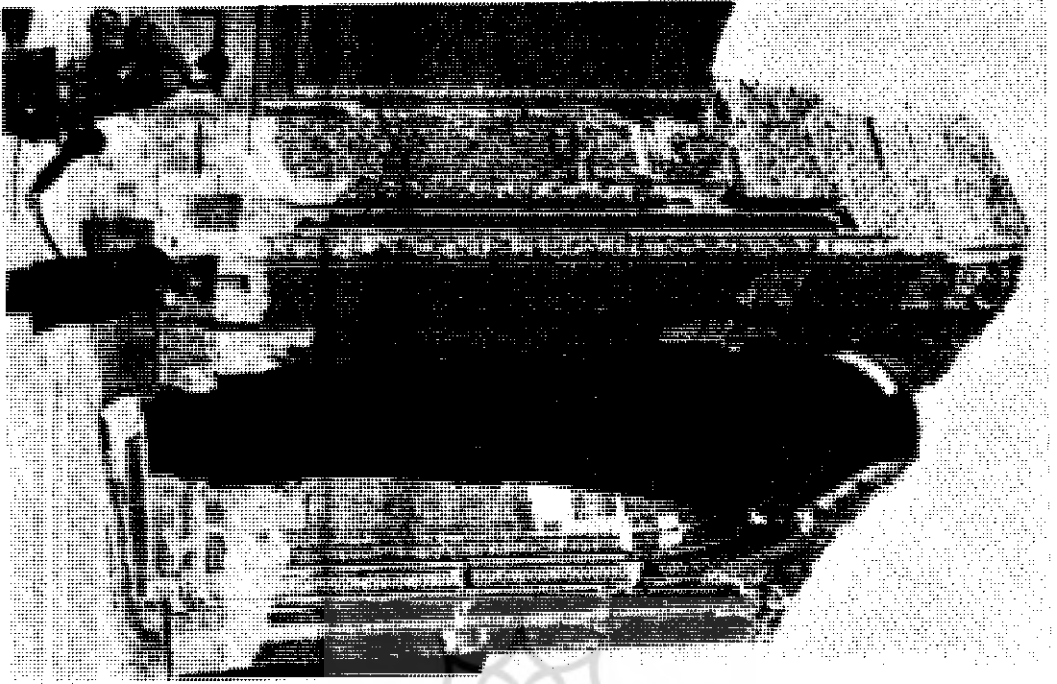
دفتر کتابخانه مدرسه فیضیه تبریز



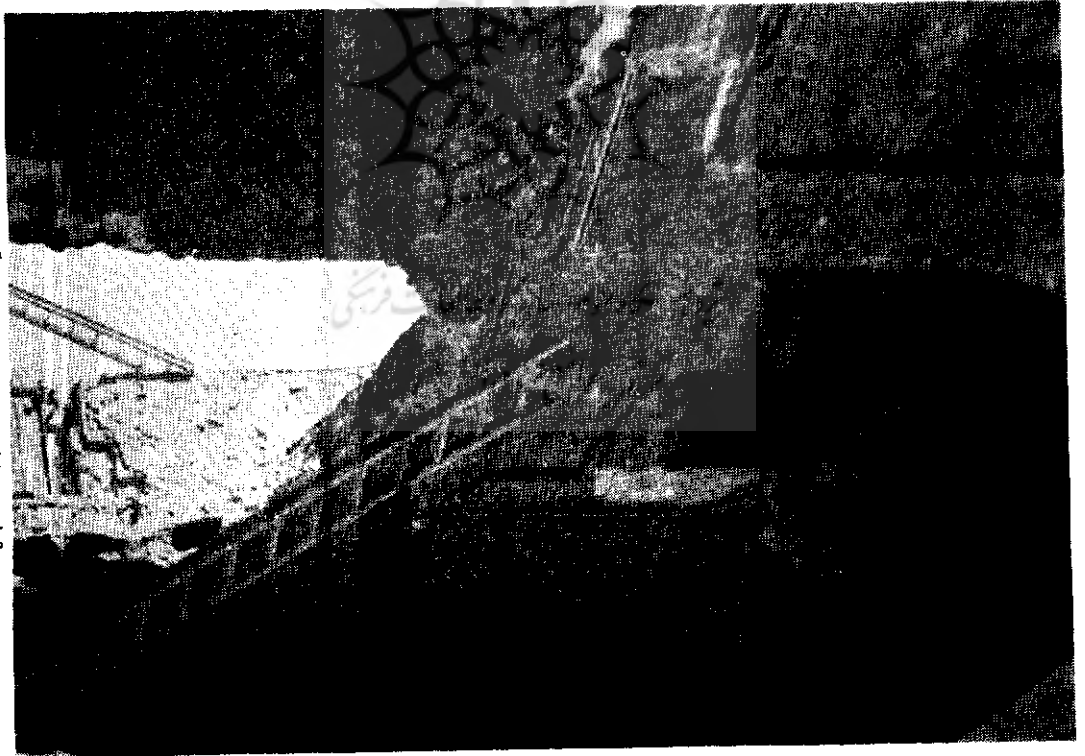
۱۷ - قسمتی از کاشیکاریهای نزدیک محراب مسجد کبود (تصویر از کتاب
معماریهای آذربایجان)



۱۸ - ویرانی مسجد کبود (تصویر از کتاب معماری آذربایجان)



۲۰ - سرور مسجد کبود



۱۹ - داخل سرور مسجد کبود

ولی متأسفانه در تجدید بنای این مسجد قسمت اعظم زیبایی و شکوه هنرکاشی کاری آن از بین رفته و تنها توانسته اند طرح کلی بنا را تا حدودی حفظ کنند. (عکس شماره ۱۹ - ۲۰)

مسجد استاد شامگرد:

این مسجد که در زمان امیر حسن چویانی بنای آنرا نهاده اند اکنون در محله میارمیار و در غرب خیابان فردوسی در محل مسجد سلیمانیه که از بناهای قدیمی تبریز بوده و در اثر زلزله بکلی ویران شده و از بین رفته بنا گردیده و تاریخ ساختمان آن به حدود سال ۷۴۲ هجری قمری میرسد و از آنجا که کتیبه های مسجد نیمه بوسیله خواجه عبدالله صیرفی که از خوشنویسان معروف بوده نوشته شده، بقیه را شاگرد وی با تمام رسانیده است.

مسجد حسن پادشاه

اوزون حسن اولین پادشاه آق قویونلو مسجدی عظیم با آجر و سنگ مرمر و کاشیهای مفرق ۱۳۸ بنا کرده بود ولیکن زلزله بکلی آن را ویران ساخت و اکنون در میدان صاحب الامر محل بنای سابق آن، مسجد جدیدی ساخته اند که بهمین نام نامیده شده ولی مطلقاً فاقد ارزش هنری و تاریخی است.

صاحب الامر

بنای صاحب الامر در شمال مهرانرود در مجاورت میدانی که بهمین اسم نامیده میشود واقع است. این بنای تاریخی شامل یک مدرسه علوم دینی و مقبره صاحب الامر و یک مسجد میباشد. گنبد و دو مناره آن تلفیقی از معماری اسلامی و معماری دوره صفوی بشمار میرود. این بنا در زمان شاه طهماسب اول صفوی ساخته شده ولی متأسفانه بدست سپاهیان عثمانی ویران گردیده است و بعدها مجدداً تجدید بنا گردیده است. در حال حاضر دو طاق مرمری زیبا و یک سنگ

۱۳۸ - این نوع کاشیکاری بنام مفرق (باغین بدون نقطه) مشهور است لیکن فاضل دانشمند مرحوم عباس اقبال آشتیانی در شماره سال دوم مجله ایران امروز ص ۲۶ با دلایل مستحکم اثبات کرده که آنرا باید مفرق (باغین نقطه دار) نوشت

نوشته که مربوط به لغو عوارض و رفاه حال مردم آن ایام میباشد دیده میشود. (عکس ۲۱)

مقبره سید حمزه

این مقبره که در کوی سرخاب واقع است. سید حمزه از اولاد امام موسی کاظم (ع) بوده که بدست مغولان مقتول و در همانجا مدفون گردیده است. این بقعه در قسمت جنوب شرقی مسجد معروف سید حمزه قرار دارد و دارای مناره و گنبد بزرگی است. از تزئینات مرمری و کاشیکاری باقیمانده این بنا چنین استنباط میشود که روزگاری دارای شکوه و عظمت معماری بوده است مقبره سید حمزه بسبب اهمیتش حجرات و اطاقهای متعددی مخصوص اقامت و تحصیل طلاب علوم دینی داشته است. (عکس ۲۲)

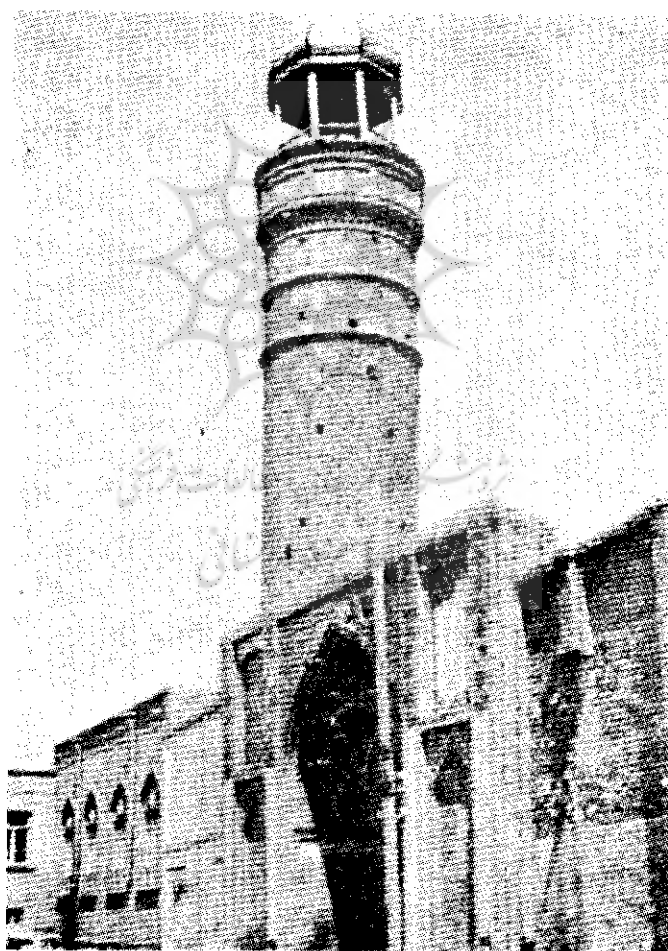
بطور خلاصه در تبریز شاید متجاوز از دو بیست و پنججاه مسجد قدیمی وجود داشته که مسلماً حتی ذکر نام آنها نیز خارج از حوصله این مقال است. گذشته از آن در تبریز تعداد بسیار زیادی اماکنه مقدسه و مقابر متبر که و زیارتگاههای مؤمنین وجود داشته است مانند (زیارتگاه عون بن علی و زید بن علی) که مردم تبریز آنرا عینلی و زینلی مینامند و زیارتگاه معتبری بشمار میرود. این زیارتگاه در بالای کوهی که بهمین نام معروف است ساخته شده است. (شکل ۲۳)

آقای حافظ حسین کربلانی تبریزی کتاب بسیار قطوری بنام روضات الجنان و جنات الجنان در توصیف و معرفی تاریخچه این بقاع نوشته است و اخیراً فاضل گرانقدر آقای جعفر سلطان القرائی پس از تصحیح و تعلیق آنرا در دو جلد بوسیله نگاه ترجمه و نشر کتاب منتشر کرده است.

چنانکه در شماره های پیش مذکور افتاد تبریز از اوایل قاجاریه بخصوص زمان شاهزاده عباس میرزا نایب السلطنه که ولیعهد نشین شده و بدار السلطنه ملقب گشت، حیاتی دوباره یافت و اکثر و ایامه‌دان قاجار در آن شهر ابنیه و عماراتی ساختند که از آن میان بناهای عباس میرزا و ابنیه ناصرالدینشاه که بهمت امیر کبیر ساخته شده از همه مهمترند.



۲۱ بنای تاریخی صاحب‌الامر



۲۲ - مقبره سید حمزه
(۴۱)

عباس میرزا که علاقه فراوانی بآبادانی و عمارات داشت ابنیه فراوانی از خویش در تبریز بیادگار نهاد.

باغ شمال

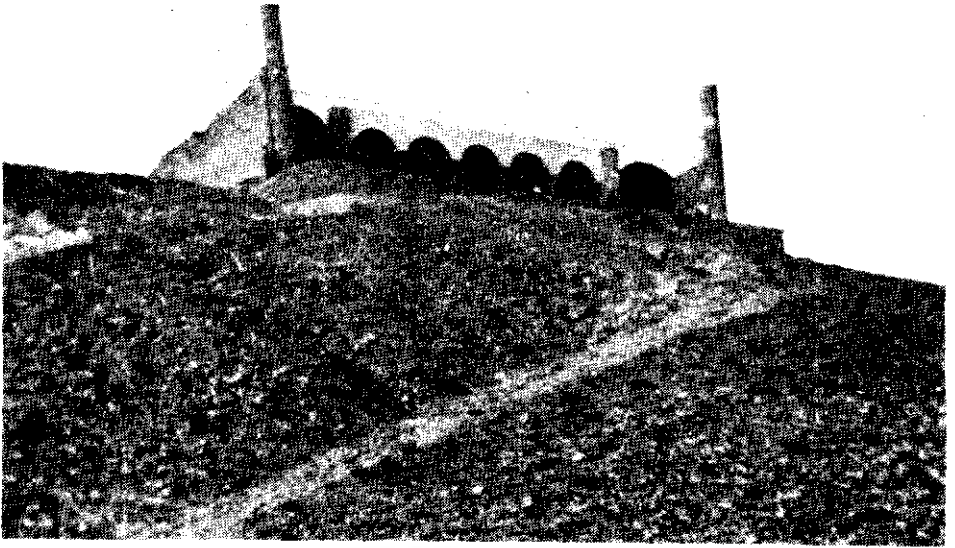
یکی از جالبترین کارهای عباس میرزا تکمیل بنای باغ شمال است. این بنا که در زمان سلطان یعقوب آق قویونلو بنیاد نهاده شده و در دوره صفویه مجدداً تعمیر گشته بود در اثر گذشت زمان رو بویرانه گذاشته بود، اما بهمت این شاهزاده تجدید بنا شد و ی باغ بزرگی که مقدار اراضی آن چهل خروار تخم افکن است، ۱۳۹ در اطراف آن احداث کرد و در آن عماراتی عالی و استخری بزرگ بنیاد نهاد. (عکس ۲۵ و ۲۶)

دیگر از عمارات نایب السلطنه ساختمان عالی قاپو است که آنرا به تقلید عالی قاپوی تبریز و اصفهان احداث کرد که این عمارات اکنون به بناهای جدید تبدیل شده اند. ۱۴۰ (عکس ۲۷)

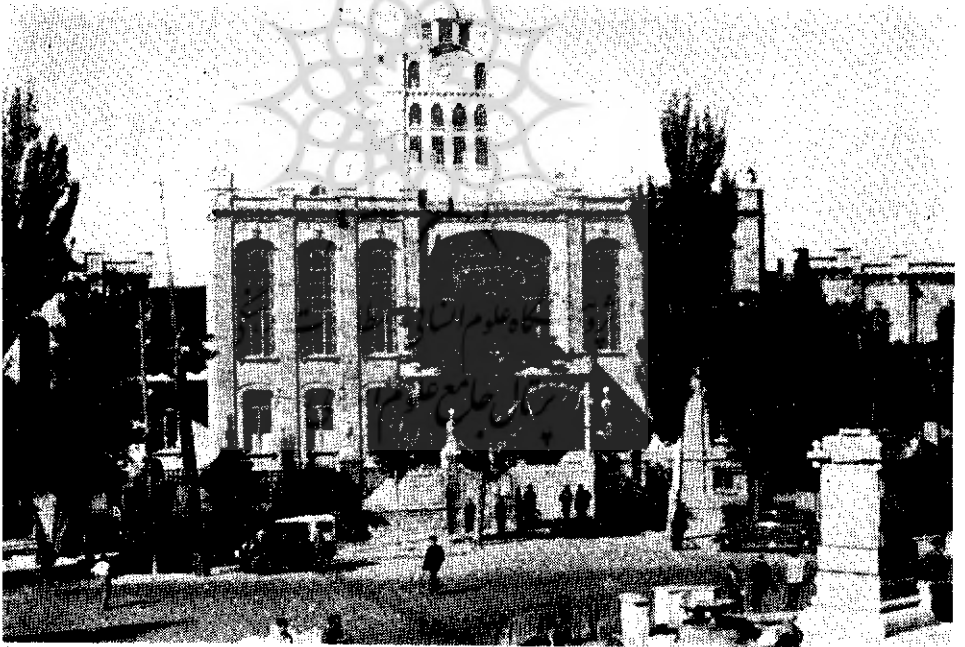
شاه کلسی

عمارات شاه کلسی نیز از بناهای جالب دوران قاجار است که بوسیله شاهزاده قهرمان میرزا پسر عباس میرزا در میان استخری بزرگ که بدریاچه ای شبیه است. بطرز زیبایی بنا گردیده که اکنون هم تفرجگاه تبریزیان است. (عکس ۲۸)

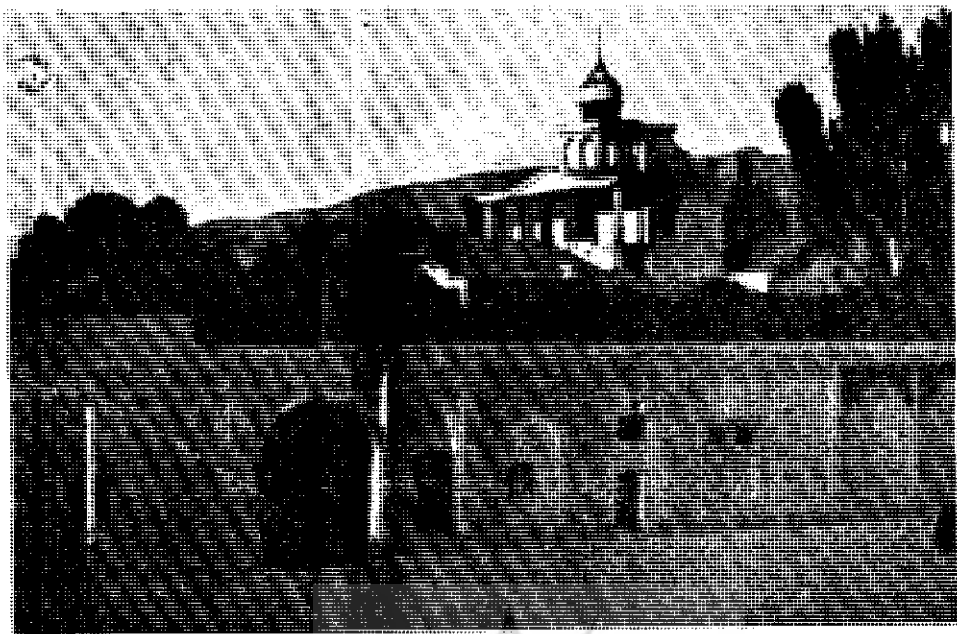
از آغاز سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر تبریز نیز مانند اکثر شهرهای ایران مشمول برنامه نوسازی کشور واقع شد و چهره آن دگرگون گشت و اکنون بصورت کاملاً نوینی درآمده است.



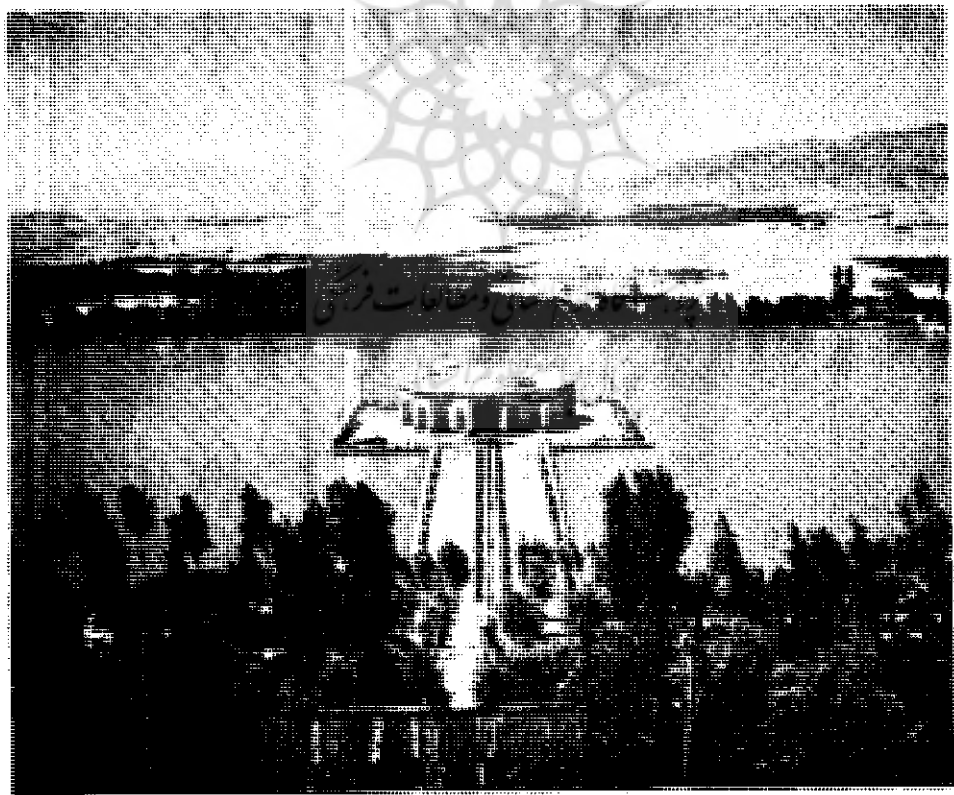
۲۳ - زیارتگاه عینلی و زینلی



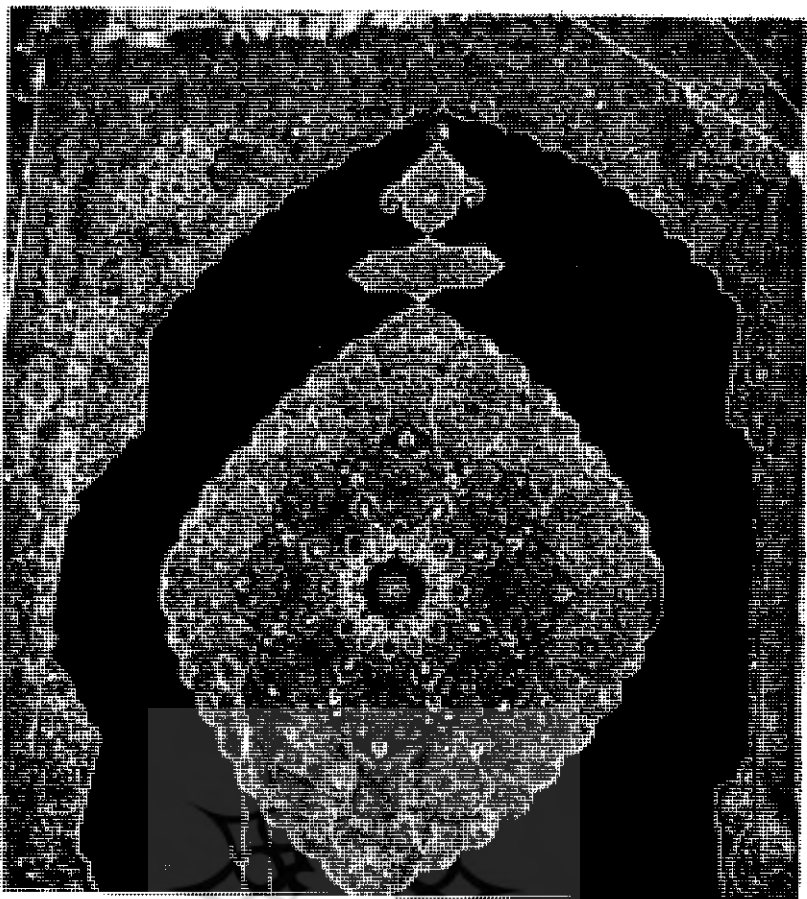
۲۴ - میدان شهرداری تبریز



٢٧ - عالی قاپو و شمس العماره



٢٨ - استخر شاه (شاه علی)



۲۵ - بعضی از نقاشیهای داخلی باغ شمال



۲۶ - عمارت مرکزی باغ شمال
(۴۵)



ساختمان شهرداری